



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

یک مسافرت تاریخی

یک ماه در اصفهان

یا گزارش مسافرت

علامه عظیم حضرت آیت الله العظمی فاضل حاشیة البحرین مدنی

اصفهان در ماه صفر ۱۳۲۶ هجری قمری

شرکت چاپ و نشر ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یک مسافرت تاریخی یکماه در اصفهان

نویسنده:

فرهنگ نخعی

ناشر چاپی:

خراسان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	یک مسافرت تاریخی یکماه در اصفهان
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۹	پیشگفتار
۱۰	مقدمه
۱۴	تبلیغ و اهمیت آن
۱۴	اشاره
۱۴	تبلیغ
۲۰	دنیای امروز عصر تبلیغ است
۲۵	الغدیر چه نیروئی است
۳۶	حرکت باصفهان
۳۹	اقامه نماز و منابر
۴۴	مهمان نوازیها و پذیرائیهای شایان
۴۹	رؤیاهای صادقانه
۴۹	اشاره
۴۹	اول - امیر المؤمنین (ع) در اصفهان
۴۹	دوم - نماینده امیر المؤمنین (ع)
۵۰	سوم - نماینده حضرت صادق (ع)
۵۰	چهارم - گریه شدید مردم
۵۲	پایان سفر و بازگشت
۵۵	دانشگاه بزرگ شیعه یا نجف اشرف
۵۹	کتابخانه نجف یا مکتبه الامام امیر المؤمنین (علیه السلام) العامه
۶۱	تاریخ کتاب و کتابخانه

۶۲	کتاب و کتابخانه در اسلام
۶۶	کتاب در شیعه
۷۰	کتابخانه نجف
۷۰	اشاره
۷۰	مکتبه الامام أمير المؤمنين (عليه السلام) العامه
۷۴	اشعار وقصائد
۷۸	الغدیر
۱۰۳	أثار قلمی مؤلف این کتاب
۱۰۵	برادران شیعه
۱۰۶	درباره مرکز

یک مسافرت تاریخی یکماه در اصفهان

مشخصات کتاب

یک مسافرت تاریخی

یکماه در اصفهان

یا گزارش مسافرت تاریخی

حضرت علامه معظم حضرت آیه الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالحسین امینی در ماه صفر المظفر ۱۳۷۶ هجری قمری به اصفهان تهیه و تنظیم: فرهنگ نخعی

(نویسنده دینی)

بها: ۱۰ ریال

مشخصات نشر: شرکت چاپخانه خراسان

موضوع: مسافرت.

موضوع: اصفهان -- سیر و سیاحت -- داستان.

موضوع: اصفهان -- آثار تاریخی

رده بندی دیویی: دان ۳۷۶ ع ۱۳۸۵ ۹۵۵/۹۳۲

ص: ۱

اشاره

هنگامی که مور ناتوان به بارگاه حشمت الهی و حضرت سلیمان (ع) بار یافت، ران ملخی تقدیم آن پیغمبر با عظمت و سلطان با حشمت نمود و این بنده کمتر از مور، که افتخار تشرف بارض اقدس و مجاورت آستانه مقدس حضرت مولی الموالی و سلطان السلاطین السلطان علی بن موسی الرضا علیه السلام

روحی و ارواح العالمین له الفدا را یافته ام مفتخرم این اثر نا چیز را که بقصد خدمت بدین و مبین و نشر معارف و حقائق مکتب جاویدان و حقه و ائمه معصومین (علیهم السلام) تنظیم نموده ام به پیشگاه مقدس حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) روحی فداه و تقدیم داشته با توسل بدر بار کیهان مدار حضرتش توفیق و تأیید خدمتگزاران دین و مروجین معارف و حقائق شرع مبین و ناشرین علوم و مدافعین حقوق و اهل بیت طاهرین (ع) را از درگاه حضرت احدیت مثلت مینماید و من الله التوفیق و علیه التکلان

نخعی

ص: ۳

الحمد لله رب العالمين الأول قبل الاحياء والانشاء و الاخر بعد فناء الأشياء والصلوه والسلام على خير خلقه و اشرف بريته سيد الانبياء والمرسلين و خاتم السفراء المتتبعين حبيب اله العالمين والمنعوت في الكتب السابقين، المحمود الاحمد ابي القاسم محمد صلى الله عليه وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين الأئمة المعصومين ، الهداه المهديين وخلفائه الراشدين و حجج الله على الخلائق أجمعين واللعن على اعدائهم و مخالفهم و غاصبي حقوقهم و منكري فضائلهم و مخر بي شريعتهم الى قيام يوم الدين

مقدمه

در ماه صفر سال جاری (۱۳۷۶ هجری قمری) اصفهان ، آن شهر زیبای تاریخی ، شهری که در کنار بستر زاینده رود روزگاری نصف جهان خوانده می شد و امروز با یک دنیا شور و هیجان و زیبایی و طراوت و بالاخره ایمان و ولایت ، آئینه ئی از خاطرات شور انگیز دیرین و گذشته شیرین خود بشمار میرود ، یکبار دیگر شاهد بک جنبش عظیم دینی گردید و مردم با حرارت و خونگرم و پاکدل آن شهر دل انگیز ایمان خیز توانستند صمیمانه ترین و پر شور ترین احساسات خود را از نظر دینی و ترویج شعائر مذهبی ابراز دارند و افتخاری تازه بر مفاخر گذشته خود بیفزایند و بر دفتر خاطرات ایام یاد گاری فراموش نشدنی و سرور آمیز ثبت نمایند .

این شور و هیجان ، این جنب و جوش ، این گرمی و حرارت ، این تظاهرات و احساسات گرم و آتشین و پر شوری که از در و دیوار ، مرد وزن، بزرگ و کوچک ، پیر و جوان ، عالم و عامی ، کاسب و اداری ،

افسر و سرباز، کارگر و کشاورز اصفهان جلوه گر بود بر اثر مسافرت یکی از بزرگترین نوایغ عصر حاضر و یکی از درخشانده ترین مفاخر عالم شیعه و یکی از برجسته ترین شخصیت های علمی و روحانی یعنی علامه معظم ودانشمند مکرم.

حضرت آیت الله آقای شیخ عبدالحسین امینی که شخصیت بارز و برجسته و ممتاز معظم له مستغنی از هر گونه توصیف و تعریف بوده خامه ناتوان این نا چیز نیز از وصف هزار یکک آن عاجز است ، بآنشهر تاریخی بوجود آمد و یکباره تحول و جنبشی در آن کانون نشر و ترویج تشیع و آن پایگاه استوار مذهب مقدس جعفری (ع) پدیدار گردید بقسمی که بجرأت میتوان گفت اصفهان، از یک قرن پیش تا کنون چنین وضع دل انگیز و چنان هیجان مسرت آمیزی بخود ندیده است .

نگارنده با آنکه خود افتخار شرکت در این مسافرت تاریخی را نداشته و از نزدیک شاهد آنهمه شوق و اشتیاق نبوده ام و اگر هم حضور میداشتم و چنان مناظر تکان دهنده و هیجان بخش را میدیدم ، باز هم یارای وصف آن نداشتم ، با اینهمه از آنها که ، تجلیات روح ایمان و ولایت مردم اصفهان را در طی مسافرت یکماهه معظم له بآنشهر مشاهده کرده و بچشم دیده و خود نیز در این احساسات و هیجانان شرکت داشته اند آنقدر تعریف و تمجید شنیدم که از عدم توفیق خود در حضور در این سفر تاریخی و شرکت در این جنبش عظیم دینی ، بسیار متأسف شدم و چون تأسف را سودی ندیدم بر آن شدم که برای جبران آن بی توفیقی، توفیق دیگری یابم و گزارش این مسافرت ولایت آثار و میمنت بار را با خامه ناتوان خود، که آنراوقف خدمت بدین مبین اسلام و ترویج مذهب حقه جعفری (ع) نموده ام ، تنظیم نموده در دسترس برادران ایمانی و هم میهنان ایرانی خود قرار دهم باشد که در این روز گار تیره و

دوران فساد، که دشمنان اسلام و شیعه، از هر سو در کمین نشستند و با تیرهای تهمت و افتراء و دشنام و ناسزا، مسلمانان و شیعیان را آماج اغراض شوم خود میسازند، مشت گره کرده مردم بیدار دل و هشیار اصفهان را بر دهان یاهو سر او بیهوده گویشان فرو کوفته این حقیقت را بجهان و جهانیان اعلام دارم که علیرغم تبلیغات سوء مغرضین و القائات شوم دشمنان دین، هنوز قلوب پاک ملت ایران و جامعه شیعیان با دل انگیزترین احساسات و پر شورترین عواطف مذهبی در سینه ها می طپد و نه تنها نام مقدس برگزیدگان خدا و مظاهر مقدسه الهی یعنی پیشوای کبیر اسلام و ائمه معصومین (ع) بر دلهایشان منقوش است بلکه مروجین مآثر و مبلغین شعائر آن انوار تابناک آسمان نبوت و ولایت، یعنی علماء و دانشمندان دین و خدمتگزاران شرع مبین مورد احترام کامل قاطبه مردم متدین و حق شناس بوده سمپاشی و زهر افشانی مخالفین و معاندین نتوانسته است رابطه بین سازمان مقدس روحانیت و طبقات ملت را قطع سازد و اگر آن چنان که باید و شاید و دنیای کنونی نیز اقتضا دارد احساسات مذهبی و عواطف و علائق دینی مردم بدرستی و شایستگی هدایت و رهبری شود بطور قطع و یقین، آنها که کمر همت برای قطع درخت برومند اسلام و نهال جاویدان تشیع بر میان بسته اند و تیشه عناد و لجاج و دشمنی بدست گرفته اند، کمترین توفیقی در این راه بدست نخواهند آورد چه هم اینان بودند که در این سالهای پر آشوب از نفوذ و رخنه کمونیسم در بین توده محروم و گرسنه و برهنه ملت ایران که از نظر اقتصادی از هر حیث مستعد قبول آن بوده جلوگیری نمودند.

علامه معظم حضرت آقای امینی، در این مسافرت تاریخی در سه مسجد مهم و بزرگ از مساجد اصفهان: مسجد سید - مسجد نو □ مسجد جامع با اقامه نماز جماعت به منبر جلوس فرموده بایراد خطابات دلنشین و بیانات آتشین و سخنان حکیمانه و مواعظ عالمانه که بیشتر

در حول محور ولایت دورمیزد، پرداخته اند که تمامی آنها بوسیله دستگاه ضبط صوت در نوار ضبط گردیده و با استنساخ از روی نوار های تهیه شده بچاپ آن مبادرت شده است و بزودی این اثر نفیس و تاریخی و بی نظیر ، که خود یکی از شاهکارهای تبلیغی شیعه و یکی از مفاخر عالم تشیع و یکی از آثار درخشان روحانیت پر افتخار ماست در دسترس علاقمندان و شیعیان قرار داده خواهد شد و به یقین مجلدات آنرا چون کاغذ زر خواهند برد وصیت شهرتش ، هر شهر و دیار را فرا خواهد گرفت و لذا آنچه که در این سفر نامه به نظر برادران ارجمنددینی می رسد جریاناتی است که در خارج از محیط منبر و محراب تاریخی معظم له ، قابل دقت و شایان بررسی و در خور تفرس و غوررسی و عبرت آموزی ست و این که خوانندگان عزیز با اشتیاق تمام انتظار استحضار بر این گزارش لذت بخش را دارند بیش از این مقدمه پرداخته به عرض مطلب مبادرت نموده آنرا به نام گزارش کتبی مسافرت دینی و مأموریت تبلیغی شاگرد برجسته و وارسته حضرت مولی الموحدین و سید العارفین و دروازه مدینه علم پیغمبر (ص) و جانشین بر حق آن سرور مولی امیر المومنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) به دربار کیهان مدار آن شاه ولایت تقدیم می دارد باشد که در تهیه زاد و توشه اخروی ، این رو سیاه شرمسار از گناه را، به کار آید الحمد لله رب العالمین علی هذا التوفیق العظیم والصلوه علی الرسول الکریم و علی اهل بینه الطیبین الطاهرین المعصومین و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب

پیش از آنکه بعرض جریانات این مسافرت تاریخی و تبلیغی پردازیم، لازم می دانم از فرصت استفاده نموده شمه ئی در پیرامون اهمیت تبلیغ و لزوم و فواید آن به عرض برادران ارجمند دینی برساند تا بیشتر به تأثیر. این سفر میمنت اثر در روشنی اذهان و استواری مبانی ایمان مردم پی ببرند.

بشر در هر دوره و عصر و زمان و با هر شکل و وضع و سازمان از داشتن عقیده بی نیاز و آزاد نبوده همواره اقوام و ملل مختلف جهان با عقاید مخصوص خود بسر برده اند و هر یک در نشر آن و گرد آوری همفکر و ازدیاد هم عقیده می کوشیدند و این جریان همچنان ادامه داشته و خواهد داشت که البته در این میان، عقیده به توحید و یکتا پرستی و ایمان بمبدء آفرینش و منشاء پیدایش جهان و جهانیان یعنی ذات اقدس احدیت و مقام قدس الوهیت بزرگترین افتخاری ست که نصیب آدمی گردیده تاج رستگاری بر فرق انسان نهاده است.

هر یک از عقاید مختلف جهان فقط و فقط بوسیله یک عامل. و نیرو توانسته است نشر یابد و در بین افراد رسوخ و نفوذ کند و آن عبارتست از:

تبلیغ

نه تنها عقاید باطله که فطرت پاک آدمی را به عنوان بزرگترین مانع بر سر راه خود داشته و دارند بلکه عقیدۀ حق توحید و یکتا پرستی نیز با مانع بزرگی که به نام نفس سرکش انسانی در راه پیشرفت خود با آن مواجه بوده است برای نشر و ترویج و رسوخ و نفوذ در بین مردم و جلب پیروان کاملاً به این نیروی عظیم و شکست ناپذیر نیازمند بوده نگاهی

به تاریخ ادیان و قیام پیامبران و جنبش رادمردان پاکبازیکه برای رستگاری آدمی بپاخاسته و از میان ظلمت جهل و فساد و شرک و بیداد، درخشنده تر از خورشید تابان جلوه گر شدند و جهان را بنور ایمان بخدا روشن و منور فرموده اند، نشان میدهد که تبلیغ چه نقش مهمی در هدایت آدمی به عهده داشته است همانگونه که باطل جویان و کج پویان نیز از این عامل مؤثر برای فساد اجتماع و گمراهی خلق استفاده شایان برده و می برند.

حضرت نوح (ع) آن پیامبر بزرگ و آن رادمرد کهنسال، ۹۵۰ سال در بین قوم خود ندای توحید در داد و هرگز از پای نایستاد ، تا فرمان یزدانی را به آنان ابلاغ کند و وظیفه تبلیغ خود را با انجام رساند.

دیگر انبیاء و رسل ، هر یک در محیط وقوم و حوزه مأموریت آسمانی خود ، این وظیفه بزرگ را انجام داده آنی از کوشش و مجاهده و تبلیغ و ترویج حقیقت و پرستش ذات اقدس احدیت باز نایستاده اند که در این میان پیشوای عالیقدر اسلام ، آن یکه تاز عرصه رسالت و آن پاکباز میدان نبوت ، وظیفه مقدس تبلیغ را بحد اعلاهی امکان انجام داد و اساس آئین مقدس خود را بر پایه های استوار علم و دانش بنا نهاد و پیروان خود را به تبلیغ فضائل انسانی و ترویج مکارم اخلاقی فرمان داد .

قرآن کریم ، سند جاویدان رسالت و منشور سفارت الهی پیامبر والاتبار اسلام (ص) در این مورد اوامر اکید و دستورهای تبلیغ دارد از جمله در آیه ۱۶۲ سوره النحل می فرماید :

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»

یعنی: مردم را با حکمت و دانش و پند نیکو بسوی پروردگارت بخوان و با ایشان به نیکوترین راه مجادله و گفتگو کن .

این آیه شریفه، هم شامل فرمان به دعوت و تبلیغ بسوی خداست و هم چگونگی و روش و وسائل این امر خطیر را نشان میدهد که باید با نیروی علم و دانش و از راه پند و اندرز و مجادله نیکو در مقام تبلیغ بر آمد .

در آیه ۳۳ سوره فصلت میفرماید : «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»

یعنی کیست نیکو گفتارتر از آنکه بسوی خدا فرا خواند و کار

شایسته کند و بگوید که من در شمار مسلمین و تسلیم شدگانم.

آیات مکرریکه در باره امر بمعروف و نهی از منکر وارد شده است در حقیقت مقدم بر همه چیز ، دعوت بسوی خدا و یکتاپرستی و دین حقه الهی را شامل میشود چه برآستی هیچ معروفی از توحید بهتر نیست و هیچ منکری از شرک و کفر زشت تر نباشد و لذا هر مسلمان بنام امر بمعروف و نهی از منکر ، وظیفه دارد که دیگران را بدین پاک و مقدس خود دعوت کند و او را از این طریق بشاهراه فلاح و رستگاری فرا خواند و البته علاوه بر این وظیفه عمومی نیز ، بنا بر فرمان قرآن گروهی باید اختصاصاً به این امر مهم و وظیفه اساسی قیام نمایند که آنان اهل علم و دانشمندان و مبلغین و خطبا و نویسندگان و گویندگان دینی هستند که خداوند دانا در این مورد در قرآن فرماید . «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آیه ۱۰۰ سوره آل عمران)

یعنی : از بین شما باید گروهی باشند تا مردم را بسوی خیر دعوت کنند و بمعروف و خوبی امر نمایند و از زشتی و بدی باز دارند و اینان رستگار خواهند بود. که در اهمیت امر بمعروف و نهی از منکر همین بس که مولای متقیان و سرور پرهیزکاران جهان فرماید : وما اعمال البر كلها و الجهاد في سبيل الله عند الامر بالمعروف والنهي عن المنكر كسفينة في

يعني همه اعمال نيك و جهاد در راه خدا در برابر امر بمعروف و نهی از منكر جز كشتی در يك دریای طوفانی بیش نیست

حضرت امام محمد باقر (ع) گشاینده دریچه حقایق تشیع و پایه گذار این مكتب مقدس در توصیف این فریضه مهم و فراموش شده و متروك میفرماید :

ان الامر بالمعروف والنهي عن المنكر سبيل الانبياء و منهاج الصلحاء فریضه عظیمه تقام بها الفرائض و تأمن المذاهب و تحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الأرض و ينتصف من الأعداء و يستقيم الامر (اصول کافی)

یعنی امر به معروف و نهی از منكر راه پیامبران و روش شایسته گان فریضه بزرگی است که دیگر فرائض بسبب آن بر پا میشود و مذاهب و روشها امن شده و کسب ها حلال گردد و مظالم رد و دفع شده و زمین آبادی یابد و دشمنان را بانصاف آرد و امر استقامت پذیرد بطوریکه ملاحظه میشود ، امر بمعروف و نهی از منكر در این حدیث شریف راه انبیاء شمرده شده است که آنان بیش از هر چیز مردم را و بسوی خدا و ترك شرک و کفر دعوت میفرموده اند و لذا تصور می رود از همین مختصر اهمیت تبلیغ و بالطبع لزوم و فوائد آن آشکار گردد و نیازی به درازی سخن نباشد و ما برای جلوگیری از بسط کلام به دو حدیث از حضرت باقر (ع) و حضرت امام حسن عسکری (ع) اکتفا مینمائیم و امیدواریم از برکت وجود مسعودشان توجه کامل بامر تبلیغ دین مبذول گردد .

۱- در جلد اول فروع کافی صفحه ۳۶۰ وصیتی از حضرت باقر (ع)

به حضرت صادق (ع) بدین شرح نقل می کنند که می فرماید: « یا جعفر اوقف لی من مالی کذا و کذا النواب تند بنی عشر سنین بمنی ایام

منی « یعنی ای جعفر از مال من فلان و فلان برای من وقف کن که مدت ده سال در منی در ایام منی (حج) مراسم سوگواری بر پا شود.

که علامه معظم در ص ۲۱ جلد دوم (چاپ دوم) الغدیر این حدیث گهربار را نقل و توضیح کافی در باره آن مرقوم فرموده اند خلاصه آنکه مقصود حضرت از این وصیت عجیب و حیرت انگیز این بوده است.

که تا مدت ۱۰ سال هر ساله در منی در ایام حج که انبوه مسلمین از اکناف و اطراف بلاد اسلام به آن سرزمین رهسپار میشوند و در کنار یکدیگر در آن تابشگاه آفتاب جهانتاب شریعت انور احمدی (ع) گردمیآیند ؛ مجلسی بنام سوگواری تشکیل شده و در نتیجه بنام تعزیه و نوحه از شخصیت آن حضرت و پدر وجد و خاندان مقدسش سخن به میان آید و از محامد و مکارم حضرتش گفتگو شده و فضائل و محاسن وجود اقدسش گفته گردد و توجه عمومی به خاندان طهارت و اهل بیت عصمت و کرسی نشینان بر حق ولایت و صاحبان مسند خلافت جلب شود و حق از باطل شناخته آید و حجاب اوهامی که بر اثر تبلیغات باطل و القائات سوء و شبهات گوناگونی که بین مردم و حقیقت اصلی اسلام بوجود آمده بود به یک سو رود و آفتاب حقائق شرع مبین از خانه هائی که خدا اذن بر افراشتن ذکر و نامش را فرموده است ، جلوه گر گردد .

و این تدبیر معجزه آسا نهایت توجه آن امام بزرگ را به امر تبلیغ و استفاده از کلیه وسائل موجود در آن عصر آشکار می سازد ولی ما که امروزه انواع و اقسام وسائل تبلیغات را در دسترس خود داریم متاسفانه چندانی از آنها نمی کنیم و در مقابل دشمنان و تبلیغات روز افزونشان خاموش و ساکت نشسته ایم و با همین سکوت بر گستاخی و جسارت آنان در تبلیغ و ترویج باطل خویش می افزائیم .

۲- حضرت امام حسن عسکری (ع) از اجداد بزرگوار خود از حضرت

رسول اکرم (ص) نقل فرموده اند که رسول خدا (ص) فرموده : اشد من يتم الیتم الذی انقطع عن ابيه يتم الیتم انقطع عن امامه ولا- يقدر علی الوصول الیه ولا- یدری کیف حکمه فیما یتلی به من شرایع دینه، الا- فمن کان من شیعتنا عالماً بعلومنا وهذا الجاهل بشریعتنا المنقطع عن مشاهدتنا یتیم فی حجره الا فمن هداه وارشدہ و علم شریعتنا کان معنا فی الرفیق الأعلى (جلد اول بحار باب ۱۳ صفحه ۷۰)

یعنی : سخت تر از یتیمی که پدرش را از دست داده است ، یتیمی آن یتیم است که از پیشوا و امام خود جدا شده باشد (مانند منحرفین از دین و فریب خوردگان) و نتواند به او دسترسی پیدا کند و حکم و دستور او را در مواردی که از نظر شرعی بدان مبتلا می شود نداند. آگاه باشید هر که از شیعیان ما باشد عالم به علوم ماست و این نادان بشریعت ما که از دیدار ما منقطع و محروم است یتیمی بیش نیست. آگاه باشید هر که او را هدایت و ارشاد کند و به شریعت ما تعلیم نماید در رفیق اعلی باما خواهد بود .

ص: ۱۳

دنیای امروز ، جهان تبلیغ است.

هر ملت و قوم و فرقه و دسته و حزبی که فاقد نیروی تبلیغ باشد چون لالی است که زبان ندارد .

امروز هر دسته و فرقه ئی برای خود سازمان وسیعی برای تبلیغ تشکیل داده از آن برای دفاع از معتقدات و نشر عقاید خویش استفاده می کنند و از وسائل گوناگونی که در جهان متری امروز برای این مقصود وجود دارد حداکثر استفاده را می برند.

روزنامه ها و کتب و مجلات ، رادیو و تلویزیون و فیلم سینما ،

مجالس مختلف تبلیغی و اعزام هیئتهای تبلیغاتی ... و سایر تدابیر و اقدامات که هم اکنون از طرف دشمنان دین مبین مورد کمال استفاده برای اضلال مسلمین است ، هر کدام به نوبه خود در جلب اذهان و نشر افکار تأثیر بسزایی دارند ولی ؟

ولی متأسفانه تنها حزب خدا ، یعنی فرقه حقه شیعه و مذهب برحق امامیه و آئین مقدس جعفری است که در این غوغای ما دیگری و بی دینی و فساد جهان ؛ مهر سکوت و خموشی بر لب زده در قبال دشمنان دین چنان لب از گفتار فرو بسته اند که حتی تحریکات دشمنان و تبلیغات بیگانگان را علیه خود به هیچ می شمردند و به عناوین مختلف و معاذیر گوناگون و بهانه های ناموزون از مقابله با آنان و دفاع از حقانیت طریقه حقه خود و نشر و ترویج آن باز می ایستند و سر باز می زنند .

گاهی می گویند خداوند فرموده است « نَحْنُ نَزَّلْنَا الذُّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ » (یعنی ما قرآن را فرستاده ایم و خود آنرا حفظ خواهیم کرد) و نگاهبانی آنرا تضمین فرموده است و احتیاجی باین اقدامات نیست .

گاهی میگویند نام اهل باطل را به میان آوردن آنها را بزرگ

می کند * باید آنها را به حال خود گذاشت تا خود بخود از بین بروند و دلیلشان اینست که الباطل یموت بمرتد ذکره (باطل با مرگ نامش از بین میرود)

بعضی ها که از دین جز دعا نمیدانند و کار و کوشش و قیام و جنبش را در جهان واگذشته و به ذکر و دعا پرداخته اند خیلی که بخواهند برای دین دلسوزی کنند با قیافه زاهد مابی میگویند :

باید امام زمان (ع) بیاید و کارها را اصلاح کند ، دعا کنید خدا

آن صاحب اصلی را برساند . گروهی دیگر وقتی نام تبلیغ و ترویج دین را می شنوند فوراً مجالس سوگواری را بخاطر میاورند و مخصوصاً ازدحام مردم را در ایام عاشورا و قتل و شبهای احیاء ماه رمضان در نظر مجسم می سازند و غافل از آنکه مشتریان رادیو ها و سینما ها و کافه ها و میخانه ها و بلیطهای بخت آزمائی و سایر منکرات و محرمات نیز از همین مردم هستند ، به رونق ظاهری بازار دین ، دینی که مردم برای خود ساخته اند نه دینی که خدا برای مردم خواسته، فریفته می شوند و با خود می گویند : تبلیغ از این بیشتر !؟

اما اینها همه در اشتباهند زیرا :

درست است که خداوند حفظ دین خود را تضمین فرموده است ولی در مقابل باید توجه داشت که ابی الله ان یجری الامور الا باسبابها (خداوند آبا دارد از اینکه جریان امور را جز به اسباب و وسائل واگذارد) و همانگونه که جریان و انجام هر کار و نیل به هر مقصودی وابسته به اسباب و ابزار آن است حفظ دین نیز البته با تأییدات و توفیق الهی که شامل حال پیروان حق است.

نیازمند به وسائلی است که باید به کار برده شود و تنها در اینصورتست که می توان مرک باطل را آرزو نمود و در حقیقت باطل هنگامی از بین می رود که نامش از بین برود و از صفحه روزگار محو شود نه آنکه در مقابل فعالیت و جنبش و ترویج و نشرش سکوت گردد و اگر این منطق

واقعا صحیح و نتیجه بخش است چرا ما خود دائماً نام شیطان را بر زبان می بریم و حال آنکه شیطان نخستین سنگ بنای باطل را کار گذارد و رهبری تمام باطل پویان را از آغاز تاریخ تا کنون به عهده دارد. و اگر باطل با موت ذکرش از بین می رود پس نصرانیت، این آئین منتسب به حضرت مسیح (ع) و منحرف از حقیقت تعالیم آن حضرت، با وجودی که مسلمین را قرن‌هاست کاری با آن نیست چرا از بین نرفته و روز بروز رو به توسعه بوده نه تنها صد ها هیئت تبلیغاتی در بین مسلمانان پراکنده ساخته و به نشر مذهب خود می پردازند بلکه افکار و عقاید و تمدن می شوم خود را بر پیروان قرآن تحمیل کرده اند و از دویست سال پیش تا کنون نیز به تأسیس مذاهب ساختگی و ادیان مجعول پرداخته اند؟؟

اگر قرار بود کارها با دعا انجام پذیرد و همه مشکلات حل شود

مگر پیامبران عظام (ع) مخصوصاً حضرت خاتم الانبیاء (ص) و ائمه هدی (ع) نمیتوانستند فقط با نیروی دعا دشمنان را دفع کنند و بر باطل پیروز شوند؟ پس چرا آنهمه مجاهده و کوشش در راه مبارزه با باطل از خود ابراز داشتند؟ آیا جز آنکه این جهان (۱) محل تلاش و فعالیت و مبارزه است؟

راست است که اصلاح قطعی جهان و محو نهائی ظلم و شرک و فساد به دست توانا و یداللهی مصلح کبیر عالم بشریت و مهدی (ع) - منتظر این امت است ولی این دلیل آن نیست که ما به کلی از کار و کوشش باز ایستیم و دست بروی دست گذاریم و عاقل و باطل مانیم و برای دفاع از دین و نشر و ترویج حقائق شرع مبین کوچکترین جنبشی از خود نشان ندهیم بلکه بعکس انتظار ظهور آن حضرت که یکی از مشخصات پیروان

ص: ۱۶

۱- اگر به فرمایش پیغمبر (ص) یعنی الدینا مزرعه الاخره توجه کنیم به این حقیقت بیشتر متوجه میشویم چه مزرعه جای کوشش و زحمت ورنج گرمای تابستان و سرمای زمستان است .

مذهب حقه تشیع است، ملازم با آنست که همواره آماده برای کوشش و قیام و جهاد باشیم چه نیکوست که در این مورد و برای رد اینگونه عقاید و افکار ناوارد به قرآن کریم، کتاب آسمانی خود، مراجعه کنیم که دستور جامع و اساسی بها داده میفرماید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (از آیه ۶۱ سوره انفال)

یعنی: و برای ایشان آنچه که بتوانید قوه مهیا سازید و از اصطبل های مخصوص اسبان که با آن دشمنان خدا و دشمنان خود را بترسانید در این آیه شریفه کلمه «قوه» اعم است از هر گونه نیروی که برای ترسانیدن دشمنان خدا و دین مورد نیاز باشد که البته باید قوای مختلفی که برای این امر لازم است بر نیروهای دشمن برتری داشته باشد تا دشمنان از آن بترسند و اندیشه هجوم و نفوذ در بین مسلمین را در سر نپرورانند و همانگونه که باید با اسلحه و مهمات و ساز و برگ و تجهیزات کافی و کامل دشمن را از هر گونه تاخت و تاز به آب و خاک خود باز داشت نباید به او اجازه داد حتی افکار و عقاید حقه ما را با القائات سوء و تبلیغات شوم خود مورد حمله قرار دهد و لذا در دنیای کنونی همچنانکه مسلمین از نظر مادی باید به اسلحه آتشین و وسائل نوین مسلح شوند تا بتوانند حمله دشمن را دفع کنند، از لحاظ

معنوی نیز باید با خیرین و وسائل تبلیغاتی که دنیای کنونی در دسترس ما قرار داده است مجهز گردند.

آنروز که پیشوای مقدس ما برای به کرسی نشاندن کلمه توحید بپا خاست و سر انجام کارش با کفار و مشرکین به جنگ کشید، وقتی جناب سلمان فارسی پیشنهاد حفر خندق را بآنحضرت معروض داشت بیدرنگ مورد تصویب مقام مقدس رسالت (ص) واقع شد و حتی آنسرور بشر خود در این کار شرکت فرمود و رنج خندق کنی را بر وجود اقدس خود هموار ساخت و امروز هم که ما میراث بزرگ آن پیغمبر و الامقام را مایه فخر و مباهات

و رستگاری خویش میدانیم باید با توسل به وسائل و اسباب و ابزار کار، خود را برای مقابله با دشمنان دین آماده سازیم و نخست تبلیغات سوء آنان را خنثی نمائیم و سپس به نشر و ترویج آئین بر حق و مذهب رستگاری بخش خود همت گماریم و انجام این وظیفه اساسی و مهم را، که در حقیقت همان فریضه امر بمعروف و نهی از منکر است، دنیای امروز کاملاً برای ما آسان ساخته و انواع و اقسام وسائل تسهیل آنرا در اختیار ما قرار داده است و ما باید برای تبلیغ دین حداکثر استفاده از آنها را ببریم امروز مطبوعات نقش مهمی در این امر بعهدہ دارد و هیچ حزب و دسته و جمعیت و مذهبی نیست که از این نیرو استفاده نکند و برای نشر عقیده و ترویج آئین خود روزنامه و مجله رسمی و ارگانی نداشته باشد و تنها مذهب شیعه است که فاقد یک نشریه رسمی است که دارای ارزش بین المللی بوده به عنوان زبان و ارگان حزب خدا شناخته شود.

کتابهایی که بنام شیعه و برای ترویج تشیع و دفاع از مبانی مذهب جعفری نوشته و منتشر میشود جنبه شخصی و انفرادی دارد و هر کس که در این راه قدم بر میدارد در حقیقت به یک جهاد شخصی قیام میکند چنانکه مثلاً فعالیتهای قدمی و آثار قلمی حضرت آیه الله آقای سید شرف الدین الحسینی در لبنان و یا خدمات گرانبهای مرحوم امین اعلی الله مقامه در شامات ارتباط و بستگی به یک سازمان تبلیغاتی و تشکیلات مذهبی نداشته و ندارد. و نیز خدمت بزرگی که علامه معظم ما (حضرت آقای امینی) در تالیف و تدوین گنجینه گرانبهای الغدیر و نشر و انتشار آن در سراسر کشورهای اسلامی انجام داده اند فقط و فقط نتیجه همت والای معظم له بوده است.

الغدیر بتحقیق یکی از بزرگترین مفاخر شیعه در عصر حاضر است که هر فرد شیعه در هر نقطه از جهان، مخصوصاً آنها که در بلاد اهل تسنن بسر میبرند. باید بآن ببالند و خداوند بزرگ را سپاس گویند که چنین سند محکمی را برای حقانیت مذهب جعفری در دسترس شیعیان و موالیان اهل بیت (ع) قرار داده است

الغدیر، نتیجه یک عمر کوشش و مجاهده، مطالعه و تفحص،

تحقیق و تتبع عمیق و مبتکرانه و برای یافتن گوهرهای پراکنده حقائق تابناک در کتابخانه‌ها و کتب اهل سنت بوده و به تحقیق میتوان گفت که در عالم علم و ادب، تا کنون چنین تحقیق دقیق و تتبع عمیقی کمتر سابقه دارد و این حقیقت را تنها اهل فن میتوانند در یابند و تشخیص دهند چنانکه در یافته اند.

الغدیر. خرمی از حقائق و دلائل تابناک و استوار حقانیت آئین مقدس جعفری است، که خوشه‌های گرانبهای آن از بین ده هزار کتاب عامه گردآوری و به بهترین وجه و شیواترین اسلوب و بدیع‌ترین روش و جذابترین قلم و فصیح‌ترین بیان و بلیغ‌ترین کلام، تألیف گردیده است و بسیاری از منابع و مآخذ مورد استناد آن، با مساعی و فداکاریها و صرف وقتها و حتی توسلات و کرامات بسیار بدست آمده و مورد استفاده قرار گرفته که این خود داستانی دلپذیر و شنیدنی است.

آنها که الغدیر را دیده و خوانده و هر کلمه و سطر و صفحه و فصل و عنوانی از آنرا در صفحات کتاب دل خود نقش نموده اند. خوب میدانند که خدایتعالی چه قلم توانا و معجز آسا و چه نیروی فکر و بیان رسانی به این عالم بزرگ و نامی و این رادمرد با همت و با عظمت و این دانشمند علیم شجاع متقی کرامت فرموده که توانسته است با همت و الا

و اندیشه رسای خود امانت بزرگ و گرانبهای روز تاریخی غدیر را چنین دل انگیز و زیبا به موالیان مولی امیر المؤمنین (ع) اهداء نماید.

حضرت آیه الله امینی مؤلف دانشمند الغدیر که حقاً باید ایشان را « امین الغدیر » نامید، با خامه سحر آسا و دربار خود چنان انقلاب فکری و تحول روحی در جهان اسلام و در بین مذاهب مختلفه اسلامی بوجود آورده اند که هر گز تصور نمیرفت فردی بتواند چنین تحول دینی عظیمی را در جامعه مذهبی پدید آورد و یا بهتر خلق کند بطوریکه امروز در تمام نقاط و مراکز اسلامی مردان علم و دانش به مبانی و حقایق تشیع آشنا بوده و حقانیت شیعه را تصدیق نموده و دست از معتقدات تعب آمیز و عنادخیز خود برداشته و به حق و حقیقت متوجه شده اند و زبان به ثنا و سپاس از الغدیر و مؤلف با جلال آن گشوده اند بطوریکه مجموع تقریظاتی که بر الغدیر از طرف بزرگان و دانشمندان عالم تسنن نوشته شده است کتابی بزرگ تشکیل میدهد.

اگر کسی با نظر دقت آثار قلمی بزرگان عرب را که در پیرامون « الغدیر » قلم فرسائی نموده اند و نظریات منصفانه خود را در دسترس هم کیشان خویش گذارده اند، با آن نویسندگان در قدردانی و حق شناسی شریک بوده انگشت حیرت بر دهان گذارند و زبان به مدح و ثنا گشایند و ما اکنون برای توجه و بیداری خوانندگان گرامی و برادران عزیز دینی نام جمعی از ایشان را در این مختصر ذکر مینمائیم:

۱- امام یحیی پادشاه با فضیلت و فقید یمن که تقریظ معظم له در جلد سوم چاپ دوم (الغدیر) مندرج است .

۲- عبدالله بن الحسین پادشاه فقید اردن هاشمی (جلد سوم چاپ دوم)

۳- فاروق پادشاه سابق مصر (جلد پنجم)

ص: ۲۰

۴- محمد عبد الغنی حسن المصری یگانه نویسنده با عظمت و شهیر مصر (جلد اول چاپ دوم)

۵- دکتر محمد غلاب استاد فلسفه در کالج مصر (جلد چهارم)

۶- استاد عبد الفتاح عبد المقصود صاحب کتاب مشهور الامام علی (ع) در چهار مجلد (جلد ششم)

۷- دکتر عبد الرحمن کیالی دانشمند صاحب تألیف حلب که چند

دوره به منصب وزارت گماشته شده (جلد چهارم چاپ دوم)

۸- آقا شیخ محمد سعید دحدوح امام جمعه و عالم شهیر شهر حلب (جلد دوم چاپ دوم)

این مرد بزرگ و روحانی جلیل در پرتو انوار هدایت بخش و تابناک الغدیر به مولای واقعی و خلیفه حقیقی مقام مقدس رسالت که در روز غدیر منصوب گردید، ایمان یافته و خود و پدرش شیخ محمد بشیر و خانواده وی و جمعی از جوانان فهمیده و حق جوی حلب به زیور تشیع متحلی و آراسته شدند.

۹- شیخ محمد سعید العرفی مفتی و عضو المجمع العلمی العربی دمشق (جلد ششم).

۱۰- بولس سلامه بیروتی قاضی مسیحی که کتاب مهم «ملحمه الغدیر» را در اثر خواندن الغدیر برشته تحریر در آورده است. (جلد ۶ و ۷)

۱۱- دکتر صفا خلوصی استاد روشنفکر دانشگاه لندن (جلد ۵)

۱۲- علاء الدین خروفه رئیس محکمه شرعی موصل که از فارغ - التحصیل های جامع الأزهر است (جلد یازدهم).

۱۳- یوسف اسعد داغر یگانه مؤلف کثیر التالیف سوریه (جلد یازدهم)

۱۴- شیخ محمد تیسیر از دانشمندان مشهور شام (جلد یازدهم).

۱۵- استاد عادل غضبان از بزرگان نامی مصر و صاحب مجله الکتاب

شهادت و گواهی این بزرگان عالم تسنن، که هر یک تقریظی بر

این اثر بزرگ و جاوید جهان تشیع یعنی الغدیر مرقوم داشته اند. در حقیقت تصدیق بر حقانیت مذهب حقه جعفری است و جایی که آنان بدین گونه قلم بر صدق مدعای شیعه بروی کاغذ آورند و بدین سان آئین پاک ما را تأیید نمایند بر شیعیان لازم و ضروریست که در راه دفاع و نشر و ترویج و تبلیغ آن نهایت مجاهدت و کوشش را مبذول دارند و مخصوصاً بکوشند که مساعی انفرادی را که در این راه بعمل می آید متمرکز سازند و خدمات گرانبها و مؤثری به عالم تشیع بنمایند تا انشاءالله بیش از آنچه که تاکنون از اقدامات فردی عاید جامعه شیعه شده است نتایج درخشان و بارز به دست آید .

باری بطوریکه گفته شد کلیه اقدامات و فعالیتهائی که به نام تبلیغ و ترویج دین صورت گرفته ، جنیه شخصی و فردی داشته و مورد حمایت و پشتیبانی همه علاقمندان به مذهب جعفری و ریزه خواران این خوان گسترده هدایت الهی قرار نگرفته و هر یک به عنوان مختلف از معاضدت و مساعدت و همکاری و یاری خود داری نموده اند بطوریکه امروز در سراسر جهان مذهب شیعه فاقد زبان رسمی و نشریه اسمی است و بیگانگان نیز اگر اسلام را شناخته و میشناسند یا خود بر اثر تحقیق و تتبع علمی و تاریخی و مذهبی در مقام شناسائی آن بر آمده اند و یا آنچه درباره اسلام میدانند از منابع اهل تسنن بدست آورده و پایه تحقیقات و تتبعات علمی و قلمی خود را بر اساس معتقدات عامه بنا نهاده اند که معلوم است این روش تحقیق و نتایج آن اگر به زیان شیعه نباشد سودی به حال شیعیان و عالم تشیع ندارد چه نوشته ها و آثار این محققین بیگانه هر چند که نام اسلام را در جهان بالا- میبرد و اذهان بیگانگان را نسبت به آئین پاک مسلمانی روشن میسازد و آتش عناد و لجاج تعصب آمیز دیرین را خاموش میکند ولی متأسفانه مذهب شیعه را آنچنان که باید و شاید معرفی نمیکند و در تاریخ اسلام بنام یک مذهب و فرقه منشعب از آن وانمود میسازد بطوریکه در جهان امروز اسلام بر پایه عقاید و مذاهب و مشرب اهل سنت معروف بوده شیعه در نظر آنان

فرقه ئی از فرق اسلامی است که البته نشر کتب روز افزون در رفع این شبهه دیرین تأثیر بسزایی خواهد داشت .

«دکتر گوستاو لوبون» فرانسوی ، صاحب کتاب « تمدن اسلام و عرب » ، آن مرد دانشمند محقق جهانگرد بزرگ ، با همه تحقیقات و تتبعاتی را که درباره اسلام و تمدن درخشان آن نموده و حتی آثار تمدن اسلامی را از نزدیک در ممالک عربی دیده است در فصل سوم از باب سوم از کتاب دوم تاریخ مزبور تحت عنوان « خلفاء راشدین » مینویسد :

« خلیفه اول اسلام ابوبکر است . پیغمبر یک دفعه او را برای امامت از طرف خود به مسجد فرستاد و همین هم سبب انتخاب وی گردید » !!!

این بیان نشان میدهد که استناد مؤلف دانشمند فقط به منابع اهل تسنن بوده است و بس و اتفاقاً « جان دیون پورت » نویسنده معروف انگلیسی نیز در کتاب مشهور خود بنام « محمد و قرآن به که اخیراً از طرف نویسنده دانشمند آقای غلامرضا سعیدی بفارسی شیرین و سلیسی ترجمه و بنام « عذر تقصیر به پیشگاه محمودقرآن » دو بار به چاپ رسیده است ، مرتکب همین غفلت و اشتباه شده و علت انتخاب ابوبکر را به سمت خلافت از طرف مسلمین امامت او در نماز در مرض موت حضرت ختمی مرتبت (ص) میداند و حال آنکه طبق اخبار صحیحه و معتبره آنحضرت هنگامی که از قیام ابوبکر به نماز آگاه شدند با تکیه به داماد گرام خود علی (ع) از خانه به مسجد تشریف فرما شدند و ابوبکر را کنار زده به نماز ایستادند و پس از نماز آخرین وصایای خود را با مردم در میان گذاردند و اینکه دو نویسنده مزبور و غالب نویسندگان اروپایی این مطلب را عنوان کرده اند برای همین بوده است که فقط به منابع اهل تسنن و کتب عامه دسترسی داشته اند و زحمت تحقیق در باره شیعه به خود نداده اند و گر نه در مییافتند که خلافت ابوبکر نه تنها باجماع مسلمین نبوده و سایه افتضاح سقیفه بنی ساعده را بر سر داشته است بلکه

اساساً آن بیعت جابرانه ای که در سقیفه مزبور و بزور شمشیر برای ابو بکر گرفته شد ارتباطی به امامت وی در نماز نداشته است و این از جهاتی است که بعداً پیشروان عامه جعل نموده اند و این مطلب و صد ها نکات مبهم و شبهات مختلف نظیر آن در «الغدیر» مورد بحث دقیق قرار گرفته و با تتبع و تحقیق کافی و وافی از هر حیث روشن شده است .

و لازم بتذکر نیست که یک علت عمده غفلت نویسندگان خارجی، سکوت و خاموشی شیعیان در مقابل بیگانگان است و حال آنکه خود مذهب شیعه، از نخستین روز با نیروی تبلیغ و کوشش علمی و جهاد و فداکاری و جانبازی توانست از زیر بار ظلم و فشار و تهدید و تطمیع و قتل و غارت خلفاء جور و حکام ستمگر قد علم کند و با دادن قربانی های بی شمار و ریختن خونهای بسیار و مجاهدات خستگی ناپذیر و کوششهای بی نظیر در نقاط مختلف ممالک اسلامی نفوذ و انتشار یابد و رسمیت و استقرار آن نیز در ایران مرهون همین فداکاریها و تلاشها بوده که چون به علت رشد احساسات استقلال طلبی ایرانیان و تبعیضی که از زمان عمر بین عرب و عجم رایج شده بود زمینه کاملاً برای نفوذ مذهب تشیع آماده و مساعد بود لذا بیشتر در ایران نفوذ کرد .

و امروز گروهی بسیار از جوانان ما بر اثر بی خبری از حقائق دین و غفلت از آموزش صحیح اصول عقاید دینی (که نوعاً جنبه طوطی واری و غیر استدلالی دارد) بکلی از حقانیت مذهب تشیع و مبانی شیعه بی خبرند و آنرا به غلط یک مذهب سیاسی میدانند که به دست صفویه ایجاد شده و متأسفانه تبلیغات سوء دشمنان و کجروان این فکر غلط را تقویت نموده است که باید از طرف اهل منبر و مبلغین دین، در رفع این شبهه توجه کامل مبذول شود و ما نیز بمناسبت مطلب میکوشیم که شمه ای در پیرامون مبانی تشیع سخن بگوئیم .

نخستین کسی که مذهب حقه شیعه را بنا نهاد و اساس متین و الهی آنرا استوار فرموده ذات مقدس حضرت رسول اکرم (ص) بانی اسلام بود که در دوران حیات پر افتخار خود این بنای رفیع را برافراشت و کاخ سر

به بهشت کشیده تشیع را به پا داشت چنانکه بارها خطاب به مولای متقیان علی (ع) فرمود: یا علی انت و شیعتک هم الفائزون یعنی: ای علی! تو و شیعه تو در شمار رستگارانند. حدیث ثقلین که در صحاح سته و غالب کتب معتبره (رجوع به جلد □

الغدیر) مندرج است، یکی از پایه های اساسی و ارکان متین مذهب مقدس جعفری و شیعه اثنی عشری است که نشان میدهد بانی رویه این مذهب کسی جز وجود بی مثال حضرت خاتم الانبیاء (ص) نبوده است که بکرات فرموده اند: انی تارک فیکم الثقلین ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا بعدی ابدأ کتاب الله و عترتی اهل بیتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض یعنی: من در بین شما دو چیز گرانبها بر جای میگذارم که اگر بآنها متمسک شوید هرگز پس از من گمراه نشوید کتاب خدا و عترت و خانواده ام. هرگز جدا نشوند تا اینکه روز قیامت در حوض بر من وارد شوند (۱).

پس از رحلت آنحضرت و پیشامد غصب خلافت، متأسفانه دست امت از تمسک به این حبل متین الهی یعنی اهل بیت عصمت و طهارت (ع) کوتاه شد و بسبب آن نیز از حقائق و معارف حقیقی قرآن و علوم الهی پیغمبر اکرم (ص) که به میراث به خاندان مقدسش رسیده بود محروم گردید و در آن زمان تنها چند تن، امثال: سلمان - اباذر - مقداد - عمار یا سر □ حدیفه باین وصیت وفا دار ماندند و به پیروی علی (ع) و تشیع ثبات قدم نشان دادند و تا میتوانستند در نشر فضائل علی (ع) و حقانیت خاندانش کوشیدند و رفته رفته پیروان و شیعیان علی (ع) با مشاهده آثار کرامات و علوم آنحضرت

ص: ۲۵

۱- از کتب عامه که بوسیله نویسندگان معاصر مصری نوشته شده است کتاب «محمد المثل الکامل» تألیف أحمد جاد المولی است که بنام «عظمت محمد» ترجمه و دو بار چاپ شده است و این حدیث را ضمن خطبه آنحضرت در مراسم حجه الوداع در روز عرفات نقل میکند که مایه تنبه و بیداری و عبرت مخالفین شیعه است.

رو بفرزونی نهادند و با وجود سختگیری خلفاء جور مخصوصاً جنایات و وفجایع معاویه روز به روز بر شماره ایشان افزوده می شد و چون محیط عربستان و عراق را برای زیست و اظهار عقاید خود مناسب نمی دیدند بسوی ایران زوی می آوردند و در گوشه و کنار پنهان می شدند و به نشر تشیع می کوشیدند و خدا میداند که در دوران معاویه و بنی امیه و بنی عباس چقدر از شیعیان در راه محبت و ولایت علی (ع) و اولادش شربت شهادت نوشیدند که باید به کتب مربوطه مراجعه نمود .

نخستین بار در زمان سلطنت آل بویه (دیالمه) شیعیان توانستند آزادی در نشر مذهب حقه پیدا کنند و آن سبب تشیع پادشاهان این سلسله بود که از جمله در روز عاشورای سال ۳۵۲ هجری در بغداد به امر معزالدوله دیلمی در بغداد تعطیل عمومی اعلام شد و چنانکه اکنون مرسوم است تمام بازارها و دکاکین بسته شد و سیاه پوش گردید و حتی بنا به دستور او زنان با لباس سیاه در شهر براه افتاده بر سر و سینه میزدند و نوحه سرائی می کردند و بدین ترتیب برای نخستین بار در عالم اسلام مراسم رسمی عزاداری بر حضرت سید الشهداء (ع) برگزار شد و چندین سال ادامه داشت .

در سال ۳۷۲ نیز عضدالدوله دیلمی که از بزرگترین شاهان این سلسله بود مجالس سوگواری رسمی از طرف شاه و امنای دولت تشکیل گردید و بر منابر بذکر مصائب اهل بیت (ع) پرداختند .

در زمان سلطان محمد خدا بنده بر اثر اشکالی که در مسئله طلاق همسرش پیش آمده بود و علماء مذاهب اربعه بر اثر ادای صیغه طلاق از طرف سلطان حکم به رهائی میدادند ، بنا بر توجه بعضی از نزدیکان امر باحضار حضرت علامه حلی ، که از نوابغ عصر و دواهی دهر و بزرگان و مفاخر کم نظیر عالم تشیع است ، داد و آن عالم جلیل از حله به سلطانیه مقرر شاه خدا بنده نزول اجلال فرموده ولدی الورود

در مجلس سلطان مناظراتی بین دانشمند نامی و علمای عامه در گرفت که به رسوائی و محکومیت آنان منجر شد و سرانجام چنانکه در تواریخ مضبوط است سلطان محمدخدا بنده تشیع اختیار کرده و مقرر داشت که در مساجد و مجامع خطبه بنام یکتا مولود خانه کعبه امام البرره و قاتل الکفره حضرت علی المرتضی (ع) و ائمه هدی (ع) ایراد شده و روی مسکوکات رسمی . سه کلمه طیه

لااله الاالله

محمد رسول الله

علی ولی الله

را بموازات هم نقش کنند و جناب علامه حلی را نیز در نزد خود نگاهداشت و معزز و گرامی داشت و لذا در پیرامون آن شمع حقیقت تاب ۰ حوزه تبلیغی و در سی مهمی بوجود آمد و طلاب علوم دینی پروانه وار گردش را گرفته و از آن پس شیعیان توانستند آشکارا قدم در میدان تبلیغ و نشر تشیع نهند و فضائل و مناقب اهل بیت (ع) را منتشر سازند

رسمیت کامل مذهب شیعه در زمان سلطنت با اقتدار صفویه صورت گرفت و در تاریخ ۹۰۷ هجری که شاه اسماعیل صفوی در تبریز بر تخت سلطنت جلوس نمود مذهب تشیع را رسمیت داد و تمام سلاطین صفوی غیر از شاه اسماعیل ثانی که مذهب تسنن داشت، هر یک به نوبه خود در نشر و ترویج مذهب حقه جعفری ، که بدست پیغمبر اکرم (ص) بنا شده و بدست حضرت صادق (ع) پرورش یافته و بصورت امروزی پایه گذاری شد و لذا بنام مقدس حضرتش نامیده میشود، کوشیدند و در بنا و تعمیر و تجدید بقاع متبرکه و مشاهد مشرفه و احیاء علوم شیعه و نشر معارف اثنی عشریه از هیچگونه مساعی و کوشش دریغ نفرموده اند چنانچه تدوین دائره المعارف بزرگ شیعه یعنی بحار الانوار که به همت والای مرحوم مجلسی (ره) صورت گرفت بر اثر تشویق و معاضدت سلاطین دین پرور و معارف گستر صفوی بود که خداوند ایشانرا با اجداد طاهر ینشان محشور فرماید.

ص: ۲۷

علاوه بر توجه کاملی که سلاطین صفوی بنشر علوم و معارف و تدوین و تالیف کتب و تشکیل حوزه های علمیه داشتند، برای جلب قلوب مردم و کشت تخم محبت اهل بیت (ع) در دل‌های عوام گروهی مداح با لباس سفید و هیأت جالب و یک شکل و بامقرری و حقوق دولتی بنقاط مختلفه کشور اعزام شدند که با خواندن مدایح و قصائد توده ملت را که تا آن هنگام در سلک تسنن بودند. بسوی اهل بیت عصمت و طهارت و مذهب تشیع جلب کنند و اینان از این راه خدمات گرانبهایی انجام دادند ولی متأسفانه رفته رفته آن شیوه و رسم پسندیده تبلیغاتی متروک شد و صوفی بازی و درویش مسلکی در بین اینان رواج یافت و از کار پرافتخار تبلیغ به کنج خانقاه و خرابات پناه بردند و موجبات تقویت تصوف در ایران فراهم شد و در نتیجه در دوران قاجار به مذهب پاک و بی پیرایه تشیع با درویش بازی و صوفی مسلکی و عرفان مآبی و خانقاه نشینی و قطب تراشی و مرشد سازی و خرابات روی و آثار شوم آن آلوده شد و کار بجائی رسید که از هر سو مورد هجوم دشمنان دین واقع شد و هر روز فرقه و مذهب و آئینی در مقابل آن ساخته و ابداع نمودند و پیروانشان را بنام شیخی و بابی و بهائی بجان مردم انداختند .

تفصیل بیشتر در باره پیدایش مذهب تشیع از حوصله این کتاب خارج و ما علاقمندان را برای درک کامل این حقیقت به جلد سیم الغدیر و کتاب گرانبهای «الشیعه فی التاریخ» تالیف علامه بزرگ شیخ محمد حسین زین عاملی و نیز به تالیفات نفیس و پر بهای حضرت آیه الله سید شرف الدین الحسینی راهنمایی میکنم ***

دیگر وسائل تبلیغی دنیای کنونی یعنی رادیو و تلویزیون و فیلم سینما (البته مقصود دستگاه فیلم برداریست نه سینما های شهوت انگیز و . مفسد اخلاق کنونی) و دستگاههای ضبط صوت . بزرگ و کوچک (جیبی)

و اعزام هیئتهای تبلیغی و تشکیل مجالس مناظرات و تبلیغاتی و کنفرانسها و کنگره های دینی هر یک بنوبه خود نقش مؤثر و اساسی در ترویج حقائق تشیع و علوم معارف الهی پیشوایان مذهب جعفری یعنی ائمه معصومین (ع) بعهدہ دارند که متأسفانه از آن غفلت میشود .

علماء و بزرگان در انتظار محال موت ذکر باطلند و توده مردم هم که از دین و آئین جز ظواهری و حشویاتی بدون معرفت و عمل چیزی نمیدانند اساساً در این اندیشه نیستند و ورد زبانشان «موسی بدین خود عیسی بدین خود» است و با هر دشمن دین و خصم آئین از یهودی و نصرانی و زردشتی و بهائی و مادی و شیخی و صوفی همنشین و معاشرند و با آلوده گی عمومی بمعاصی و منکرات و محرمات ، تحت تأثیر افکار و عقاید آنان قرار دارند چنانکه همین جمله «هر که بدین خود ، که در حقیقت رد بر امر بمعروف و نهی از منکر است ، از شعارهای تبلیغاتی بهائیان است.

اگر همان رویه ئی که بزرگان و علماء پیشین در ترویج و نشر تشیع در پیش گرفته بودند همچنان دنبال می شد نه تنها امروز یگانه کشور شیعه جهان از هر سو کُنام دزدان دین ربا و دشمنان آئین خدا نمی شد بلکه مذهب حقه تشیع برادران سنی ما را بسوی خود جلب می نمود و جهان و جهانیان را بحقانیت آن آشنا می ساخت و لاقلاً این توهم را که شیعه فرقه ئی از فرق اسلام است ، از بین می برد و به دنیا نشان می داد که شیوه همان اسلام است و اسلام چیزی جز تشیع نیست.

این حقیقت بزرگ کاملاً از آیه شریفه :

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» مستفاد میشود چنانچه حضرت آیه الله آقای امینی در منابر خود در اصفهان ضمن بحث در پیرامون این آیه شریفه وافی هدایه این نکته دقیق را تشریح فرمودند که رضای خداوندی بنص آیه مبارکه از اسلامی است که مقرون به ولایت کبری بوده که اکمال دین و اتمام

از مدتی پیش از طرف بعضی از علماء و روحانیون اصفهان مخصوصاً حضرت حجه الاسلام آقای حاج آقا حسین خادمی که از علمای معروف اصفهان و مردان شایسته آن سامان و صاحب تالیفات علمی بسیار از جمله کتاب نفیس رهبر سعادت .

و از اولاد مرحوم صدر عاملی هستند و نیز یگانه دانشمند متکلم حاج آقا جمال الدین صهری سدهی که از وعاظ معروف و دانشمندان متعبد و متعجب و برجسته اصفهان بشمارند ، از علامه معظم برای مسافرت باصفهان دعوت های مکرر و مؤکدی بعمل میاید تا اینکه در مسافرتی که زمستان سال

گذشته آقای خادمی به عتبات عالیات مشرف شدند و به آستان پاسبان ملایک مولی امیر المؤمنین (ع) تشریف حاصل نمودند از معظم له تقاضا نمودند که در مسافرت به ایران ، اصفهان را از سفر میمنت اثر خویش بی بهره نگذارده آن خطه ولایت خیز را بقدم خود مزین فرمایند .

در ذیحجه گذشته ، این تقاضا و دعوتها از طرف ایشان و سایر علاقمندان تأکید و تکرار گردید و بالاخره مسافر ارجمند و میهمان دانشمند ما با تفاق جناب آقای سید رضا خان اصغری در تاریخ ۲۸ محرم بطرف اصفهان حرکت فرمودند .

آقای خادمی وقایع علماء و بزرگان اصفهان در نظر داشتند که -

مقدمات استقبال مجلل و بی نظیری را برای ورود معظم له باصفهان فراهم نمایند تا از مقام علمی و خدمات تبلیغی ایشان تجلیل کامل و کافی بعمل - آید ولی با اعتذار و عدم موافقت آقای امینی ، هیچگونه تشریفاتی برای استقبال بر گزار نشد و بدون هر گونه تظاهری وارد اصفهان شدند و در منزل آقای خادمی ورود فرمودند و مدت چهار روز رسماً در منزل ایشان جلوس رسمی داشته و در این مدت جمیع طبقات با یک دنیا شوق

و علاقه و احترام و تجلیل برای زیارت و دیدار می شتافتند و از محضر فیض بخش این استاد نبیل مستفیض می شدند و لازم به توضیح نیست که مانند همه علاقمندان و مریدان و دوستدارانشان، از نخستین لحظه دیدار، شیفته و فریفته ظاهر آراسته و سیمای ملکوتی و ملکات معنوی ایشان شده بی اختیار زبان به تحسین و تمجیدشان می گشودند و خود را ظاهر در برابر شاگرد بر جسته مکتب مقدس ولایت، مکتبی که قرنهاست در دانشگاه رفیع و عظیم نجف اشرف بر پاست، و باطناً در پیشگاه شاه ولایت و قطب آسیای امامت و مسیل جریان علم و معرفت و وصی بر حق مقام مقدس رسالت، خاضع و خاشع می دیدند و قلبی آکنده از مهر علی (ع) و اولادش باین منادی بزرگ عالم تشیع بدیده احترام و تکریم می نگر بستند.

هر دسته و طبقه ئی که بدیدار معظم له می شتافتند مخصوصاً حضرات آقایان علماء اعلام و روحانیون و مبلغین دین، با اشتیاق و علاقه تام تقاضای اقامه نماز و منبر می نمودند که مخصوصاً در زمره متقاضیان و علاقمندان که اصرار تمام در این امر داشتند و در حقیقت بانی یک خدمت بزرگ بعالم تشیع شدند، نام آقایان مشروحه زیر قابل ذکر است که اسامی ایشان را زینت بخش این سفر نامه تاریخی می سازیم و توفیق همگی را در ادامه خدمات دینی و تبلیغی از قادر متعال مسئلت می داریم.

جناب حجه الاسلام آقای حاج آقا حسین خادمی

« « سید محمد رضا شفتی امام مسجد سید و نوه مرحوم حجه الاسلام کبیر که مزارش در مسجد مزبور بنام « مزار کبیر زیارتگاه اهل دل و از اجله علمای اصفهان به شمار می رفته است.

جناب حجه الاسلام آقای خونساری

« « امام جمعه

« « میر سید علی ابطحی

« « شیخ مرتضی اردکانی

ص: ۳۱

جناب حجه الاسلام آقای شیخ محمود مفید

» » » سید حبیب اله روضاتی

» » » حاج سید محمد مقدس

» » » مجدالعلی نجل آیه الله مرحوم آقای شیخ محمد رضا نجفی امام جماعت مسجد نو که اولین جلسات تبلیغی و منابر علامه معظم در مسجد ایشان تشکیل گردید.

جناب حجه الاسلام آقای حاج سید باقر رجائی

» » » میر سید ابوالحسن آل رسول

خطیب دانشمند و واعظ شهیر جناب آقای حاج آقا جمال الدین صهری سدهی

خطیب دانشمند و واعظ شهیر جناب آقای حاج حسام الواعظین

» » » میر سید حسن مدرس

جناب آقای میر سید محمد روضاتی

ص: ۳۲

بالاخره در اثر تقاضای مؤکد آقایان نام برده و اصرار مکرر تجار و محترمین و طلاب علوم دینی که دسته دسته در پی این تقاضا می شتافتند روز ۵ شنبه هفتم ماه صفر جاری (۱۳۷۶) در مسجد نو واقع در بازار به منبر رفته و تا ۱۷ ماه مزبور در آن مسجد با فاضله کافی و وافی می پرداختند و پس از ختم منبر که از هر ۱ تا دو به غروب شروع شده و مغرب پایان می یافت نماز مغرب و عشاء را اقامه می فرمودند.

در این مسجد به لحاظ موقعیت و محل ، کسبه و اهل بازار بیشتر از سایر طبقات حضور می یافتند و البته سلسله جلیله علما و وعاظ و محصلین مدارس دینی و همچنین تجار و محترمین نیز در مجلس حاضر می شدند و با وجودی که وسعت مسجد مزبور چندان زیاد نیست معهدا بطور متوسط از هفت تا ده هزار نفر جمعیت در آن گرد می آمدند و از بیانات دلنشین و سخنان دل انگیز ایشان مستفیض و بهره مند می شدند

رفته رفته انبوه جمعیت و ازدحام مردم بقسمی شد که کوچکترین جائی در مسجد یافت نمی شد و اداره جمعیت برای متصدیان مربوطه دشوار می نمود و لذا جناب حجه الاسلام آقای شفتی امام مسجد سید، با جمعی از علماء و محترمین از معظم له دعوت کردند که به مسجد مزبور تشریف برده منابر خود را ادامه دهند لذا بنا به دعوت ایشان و تقاضای جمعی دیگر از علاقمندان پس از ده شب افاضه در مسجد نو ، به مسجد نامبرده انتقال یافتند .

در این مسجد ، شب ها پس از ادای نماز مغرب و عشاء به منبر می رفتند عصر روزی که قرار بود در مسجد سید حضور بهم رسانند حضرات حجج اسلام آقایان شفتی و خادمی - خونساری و حاج آقا مقدس با جمعیت کثیری از وجوه طبقات در منزل معظم له حضور یافتند که ایشان را برای ادای نماز مغرب و عشاء به مسجد ببرند .

خیابانی که مسجد در آن واقع است عصر آنروز منظره ئی عجیب داشت و شاهد شور و هیجان کم نظیری بود و به قدری ازدحام جمعیت زیاد بود که امکان سوار شدن نبود و لذا پیاده به مسجد رفتند و در جلو مسجد در زیر پای ایشان به تشریف مقدمشان قربانی هائی سر بریده شد و مدت شش شب پس از ادای نماز بر فراز منبر قرار می گرفتند و در دنبال بحثی که از نخستین شب آغاز فرموده بودند مستمعین را بفیض کامل می رساندند و حقائق را که کمتر شنیده شده بود بیان می داشتند.

جمعیتی که در این مسجد گرد می آمدند، تقریباً در مقابل مسجد نو بود و همه جا پر می شد بطوری که من الباب الی المحراب جائی باقی نمی ماند بحدی که مردم مجبور بودند از بامها و ایوانهای مسجد استفاده کنند تا از این فیض عظمی محروم نمانند.

از شب ۲۳ تا آخر ماه، بنا به تقاضای جناب حجه الاسلام آقایان امام جمعه و ابطحی و جمعی از تجار و وجوه اهالی و کثرت روز افزون جمعیت مستمعین، از مسجد سید به مسجد جامع اصفهان منتقل شدند و تا پایان ماه صفر در آن مسجد باقامه نماز و منبر پرداختند.

مسجد جامع از مساجد تاریخی اصفهان و بلکه از مساجد بی نظیر ایران است که از لحاظ سوابق تاریخی کمتر مسجدی به پای آن می رسد که دارای محرابهای تاریخی و قدیمی متعدد است و از لحاظ وسعت نیز از بزرگترین مساجد بشمار می رود بطوری که گویند چهل و دو جریب زمین است.

در نخستین شب در محراب عمومی به نماز ایستادند ولی در شبهای بعد بعلت ازدحام جمعیت در محراب معروف به «صاحب» به اقامه نماز پرداختند که بطوری که گفته می شد تا کنون کسی در این محراب ادای نماز نکرده بوده است

با همه وسعتی که مسجد جامع دارد، از کثرت جمعیت جای قدمی پیدا نمی شد در شبهای اخیر مخصوصاً شب ۲۹ که شب رحلت پیشوای مقدس و بزرگوار اسلام حضرت ختمی مرتبت (ص) و شهادت سبط مکرّم و نور دیده محترم حضرت امام حسن مجتبی (ع) بود جمعیت حاضرین را که از همه طبقات مخصوصاً رؤسای دوائر و طبقات ممتاز شهر حضور داشتند حتی بیشتر از ۶۰ هزار نفر تخمین زده اند و این خود افتخاری بوده که براستی نصیب شهر تاریخی اصفهان گردید.

در این چند شب، که چنین جمعیت بی سابقه‌ی از نقاط مختلف شهر برای استفاده و استفاضه و تعظیم شعائر مذهبی و تجلیل از یک شخصیت بزرگ روحانی در مسجد جامع حضور می یافتند، البته امر انتظامات مسجدر و شهر بی اندازه حساس و دشوار بود و حسن انتظام مجلس و محل نهایت ضرورت را داشت و باید گفت که انصافاً ریاست محترم شهر بانی اصفهان و سر کار ریاست محترم کلانتری (۳) در برقراری انتظامات و تأمین نظم، زیاده از حد ابراز علاقه می کردند و بیش از حد تصور جانفشانی می نمودند که لازم است در این اثر تاریخی، از ایشان تقدیر و سپاسگزاری شود.

احساسات مردم بیدار و زنده دل و خونگرم و عالم دوست اصفهان شهری که میر دامادها و شیخ بهائی و مجلسی ها و دیگر علماء بزرگ و برجسته و پیشقدمان نشر و ترویج تشیح را به خود دیده و در دامان خود پرورانده و در کنار بستر آبادی بخش زاینده رود، زاینده رودی رستگاری بخش از علم و معرفت و ایمان و هدایت به سرزمین کهن ایران روانه ساخته است) در این مجالس و در طی این مدت بقدری بود که به وصف در نیاید و هر شب که سخنان تازه و بکر علامه معظم دهان به دهان و گوش بگوش نقل محافل و مجالس شهر می گردید، بر شور و هیجان مردم افزوده می شد و شعله های عشق و احساسات و اشتیاق دوستداران و شیعیان تیز تر شده بیشتر از پیش زبانه می کشید و یک جهان شوق و نشاط و ایمان و احساسات در « نصف جهان » پدید آورد که هر چه بیشتر وصف

آن گفته آید، به توصیف ننگجد محور سخن علامه معظم در طی مدتی که زمام منبر و نبض تبلیغ را در اصفهان به دست حکیمان و عالمانه خود گرفته بودند، در حول موضوع ولایت کبرای مولای عالمیان و شهریار شاهان، شهسوار اسلام و وصی بر حق حضرت خیر الانام (ص) امیر المؤمنین علی (علیه السلام) دور می زده و آیه شریفه:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (آیه ۵۵ سوره مائده) (۱)

که بمناسبت روز پر افتخار خاتم بخشی (۲۵ ذیحجه) در شأن آن شاه مردان و مظهراتم و اکمل ایمان نازل گردیده عنوان مجلس و مفتاح کلام بوده است و در طی آن، با بیانات شیوا و آهنگ گیرا، یک دوره کامل درس ولایت به مردم مولی دوست اصفهان تعلیم فرموده اند که به اعتراف و تصدیق همه تاکنون این گونه سخنان به گوش مردم نرسیده بود و لذا مورد استفاده کامل قاطبه اهالی واقع شد که خوشبختانه

ص: ۳۶

۱- ترجمه: همانا ولی شما خدا و رسول و آنهایی که ایمان آورده اند آنانکه نماز بر پایدارند و بهنگام رکوع صدقه میدهند. این آیه شریفه در شأن شاه ولایت و مسند نشین کرسی وصایت علی (ع) نازل - گردیده و شأن نزول آن نیز این بود که روزی حضرت در مسجد به نماز ایستاده بودند سائلی از مردم تقاضای کمک کرده و کسی به او پاسخ نداد - و مولی هنگامی که در حال رکوع بود با انگشت خود باو اشاره فرمود - و انگشتی که در دست مبارکش بود نشان داد و سائل آنرا بیرون آورد و آنگاه آیه شریفه نازل گردید و در این مورد کتب معتبره اهل سنت باین معنی گویاست که در کتب مربوطه مندرج است و آقای امینی در الغدیر از هفتاد کتاب معتبر از مصادر اهل سنت نزول آیه را در شأن مولی امیر المؤمنین نقل فرموده اند (به جلد سیم الغدیر رجوع شود)

اقدام بجائی که در ضبط آن سخنان هدایت بخش و معرفت افزا و ایمان پرور و دل انگیز در روی نوار ضبط صوت و چاپ جداگانه آن بعمل خواهد آمد سایر هم میهنان گرامی و شیعیان عزیز در سایر بلاد اسلامی نیز می توانند از این درس سودمند و تاریخی بهره مند شوند و با ایمان کامل و زدودن هر گونه شک و شبهه و تردید در باره حقانیت مذهب تشیع؛ مشت علم و منطق به دهان دشمنان شیعه و یاوه سرایان بیهوده گو بگویند.

منابر علامه معظم در اصفهان، چنانکه زبانزد و رطب اللسان حضرات آقایان علماء و دانشمندان و وعاظ و اهالی آن سامان است، چنان روح تشیعی در مردم اصفهان دهید که یک قرن دیگر فراموش شدنی نیست و اصولاً این مجلس و این جمعیت و این نماز و این منبر نیز در تاریخ اصفهان بلکه در تاریخ جهان از یک قرن پیش تاکنون نظیر پیدا نکرده است و این خود افتخار زوال ناپذیر است که اصفهان و اصفهانی میتواند همیشه بدان مباهات کند. نکته مهمی که در باره این منابر تاریخی قابل ذکر می باشد اینست که هر یک از جلسات منبر معظم له با یک دنیا شور و هیجان و گریه و سوگواری بی نظیر پایان می یافت و مردم بحدی در مصائب جانسوز خاندان مقدس رسالت می گریستند که حقاً نظیر و مانندی نداشته است و این به سبب آن بود که آقای امینی با سوز و گدازی وصف ناپذیر بذکر مصیبت پرداخته خود بی اختیار می گریستند و مردم را به هیجان می آوردند و از صمیم دل و بدون هیچ ریاء و تصنع سیلاب اشک از دیده می باریدند امید است که مقبول در گاه حق و مرضی اولیائش واقع شود.

در تمام مدتی که علامه معظم حضرت آقای امینی در اصفهان بودند علاوه بر احساسات بی شائبه اهالی که در تمام موارد نسبت با ایشان ابراز می شد، هر روز و هر شب بنا به تقاضای آقایان علماء اعلام و حجج اسلام و سایر محترمین شهر در منزل یکی از ایشان دعوت داشتند و هر گاه که در محلی موعود بودند از طرف اهل آن محل، بطور زایدالوصفی نسبت به معظم له ابراز احساسات می شد و مراتب تکریم و احترام شایان تقدیر خود را به جامعه روحانیت، که ایشان در واقع فرد مبرز و شخصیت برجسته ئی از این حوزه مقدسه میباشند، اظهار می داشتند و نشان می دادند که قلباً و باطناً باین سلسله جلیله علاقمند بوده بدون هیچگونه شائبه و محرک و تنها بسائقه علائق مذهبی و برای تعظیم شعائر دینی، رهبران روحانی و مبلغین و مروجین شریعت آسمانی خود را محترم و گرامی می شمارند.

از جمله روز پنجم صفر، که با جمعی از آقایان علماء اعلام در منزل عالم جلیل القدر حجه الاسلام آقای حاج میرزا حبیب الله روضاتی موعود بودند، بعد از ظهر آنروز حوالی سه ساعت به غروب اهالی محل در خانه ایشان گرد آمده و با شوق و شغف تمام اجتماع نمودند و تقاضا داشتند که حضرت علامه مکرم نماز ظهر و عصر را در مسجد محل اقامه نمایند و لذا بنا به تقاضای اهالی بطرف مسجد رهسپار شدند و با وجودی که بین منزل آقای روضاتی و مسجد فاصله زیادی بود در تمام مسیر راه جمیعت محل حضور یافته با گرمی و شوق بسیار ابراز احساسات می نمودند و در جلوی مسجد گوسفندی برای قربانی مهیا و آماده ساخته بودند و با این همه شور و حرارت مراتب ایمان و علاقمندی خود را نسبت به معتقدات مذهبی و مذهب حقه و پاک خود بمنصه بروز می رساندند و دست رد بر سینه بیگانگان و

دشمنان دین و ملیت خویش که هر یک بنحوی تظاهرات مقدس دینی ما را بیاد استهزاء و تمسخر گرفته و می گیرند و از هیچ گونه ناسزا و اهانت و افتراء به شیعیان فرو گذار نمی کنند ، می زدند.

بعد از ادای نماز ، دانشمند محترم و خطیب ارجمند آقای طاهری که از دانشمندان و وعاظ مشهور اصفهانند بر فراز منبر قرار گرفتند و با بیانات شیوا و دلنشین خود از ابراز احساسات شورانگیز مردم اظهار تشکر و سپاسگزاری نمودند و سپس در پیرامون خدمات شایان میهمان : عالیقدر و ارجمند خود سخن گفتند و مخصوصاً شمه گی از کتاب شریف الغدیر، کتابی که براستی تظاهر عظیم و با شکوه و اجتماع شورانگیز و تاریخی غدیر خم را در ۱۴ قرن پیش ، از لابلای تاریخ ایام و حوادث زمان و متون کتب مجسم ساخته روح تازه بخشیده و زنده نموده و در برابر دیده بصیرت حق بنیان نهاده است ، بسمع مردم رساندند و این خدمت بزرگ و شایان تقدیر را چنانکه در خور آن مجلس شریف بود ستودند و برادران دینی را از این قدم بلند و برجسته ای که بهمت والای یکی از رادمردان عالم تشیع و یکی از مجاهدین بنام طریقه حقه جعفری برداشته شده عالم تسنن را به اصطلاح شه مات نموده و به شش در حیرت دچار ساخته است ، آگاه و شادمان و مسرور نمودند .

دعوت قابل ذکر و شایان توجه دیگری که از معظم له بعمل آمد روز جمعه پانزدهم صفر و بتقاضای اهالی « دستگیره در منزل جناب آقای حاج محمد صادق دهخدا بود که با ۵۰ نفر از حضرات علماء و محترمین مدعو بودند.

پس از پذیرائی شایان و گرمی که از مهمانان محترم بعمل آمد، عصر باقامه نماز پرداختند و پس از ادای فریضه ظهر و عصر بر اثر اصرار و اهالی مخصوصاً عالم جلیل مدل و سرپرست روحانی ایشان به منبر رفتند و با مواعظ و نصایح مردم را مفتخر و قلوبشان را سرشار از ایمان و عشق بحق جذب نمودند . در تمام این مدت ، احساسات مردم آن

محل فوق تصور و از هر حیث شایان توجه بود. در این جا نیز گوسفند هائی قربانی گردید.

* روز شنبه ۲۳ نیز بر اثر تقاضای اهالی نجف آباد و دعوت عالم دانشمند و روحانی جلیل آن جناب ثقه الاسلام آقای منتظری صاحب کتاب نه‌ایه الأصول که تقریرات حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی است و چاپ شده بدانصوب رهسپار و در میان احساسات شورانگیز و هیجان آمیز اهالی وارد آن شهر شدند.

در اینجا لازم است یاد آور شویم که آقای منتظری از مفاخر کنونی شیعه و از میرزین علماء و مبلغین عالم تشیع می باشند که خدمات گرانبهای ایشان در مبارزه با دشمنان دین و هدایت فریب خوردگان فرقه ضاله مفسده، باید مورد تقدیر فرد شیعیان باشد و برای اهمیت مجاهدات شایان تقدیر ایشان همین بس که مورد توجه کامل حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی متع الله المسلمین بطول بقائه الشریف مرجع عالیقدر عصر و نیابت حضرت ولی عصر (ع) ، بوده در پرتو اقدامات مدبرانه و مبارزات دین خواهانه خود توانسته اند نجف آباد را با نوار تابناک ساطعه و درخشنده ی از نجف آباد سازند و مردم آن شهر را از شر « اغنام » گرک صفت که مذهب حق و حزب خدا را واگذارده از « باب » ضلالت دین ساختگی و بی « بهائی » را پذیرفته اند رهائی بخشند (۱)

ص: ۴۰

۱- یکی از نقاطی که مورد هجوم اینان واقع شده بود نجف آباد بود که بهائیان به خیال خود می خواستند از بی خبری مردم استفاده کنند و در بین آنان نفوذ نمایند ولی خوشبختانه با بیداری مردم مواجه شدند و از جمله چندی پیش که جسارت و گستاخی آنان فزونی یافت جنبشی در بین قاطبه اهالی نجف آباد بوجود آمد و مردم تحت رهبری خردمندانه آقای منتظری علیه آنان دست به قیام و اقدام عاقلانه ئی زدند و نه تنها از راه تبلیغ و مباحثات علمی برای هدایت فریب خوردگان کوشیدند و بسیاری از آنان را بار دیگر بشاهراه حقیقت باز گرداندند بلکه روابط اقتصادی و معاملاتی را با بهائیان قطع کردند و آنانرا بشدت در محاصره اقتصادی قرار دادند و در این مورد نیز اعلامیه هائی از طرف اهالی به امضاء رسید و منتشر شد و حضرت آیه الله العظمی آقای بروجردی نیز با دست خط مبارک خود اقدامات ایشان را تجویز و تأیید فرمودند که جا دارد سرمشق دیگر شیعیان در رفتار با اینگونه دشمنان بی دین قرار گیرد.

باری در روز مزبور اهالی با ایمان نجف آباد، تا یک فرسخ به استقبال آمده گوساله ئی قربانی کردند و حق هم همین بود، چه در آنشهر مهدی (ع) پناه بکلی دست رد بر سینه «اغنام» نهاده شده بود و لذا قربانی گوسفند لطفی نداشت و قربان نمودن گوساله، که رهبرزاده آنهاست مناسبتر و پسندیده تر بود.

و پس از ورود بشهر، نخست وارد مدرسه دینی نجف آباد شدند و پس از ابراز مهر و محبت و استعلام و دلجوئی از مستقبلین خاصه آقایان محصلین آن مدرسه که از برجسته ترین طلاب علوم دینی هستند، به باغ آقای حاج غلامحسین رفتند و روز را در آنجا بسر برده نماز ظهر و عصر را در مسجد بجا آوردند و نیم ساعتی نیز برای وعظ و تشویق و تهییج مردم به حفظ شعائر دین و تقویت از مبانی مذهبی به منبر رفتند و سپس در بین احساسات پر شور مردم که در تمام آن روز جریان و ادامه داشت اصفهان بازگشتند و خاطره ئی خوش و فراموش نشدنی در آن سنگر تاریخی مبارزه با دشمنان امام زمان (ع) و فریب خوردگان حظیره نشینان بیادگار گذاشتند.

* روز یکشنبه ۲۴ بر اثر در خواست اهالی قصبه «ریز» و عالم با همت آن جناب ثقه الاسلام آقای شیخ محمود شریعت به آن قصد . به رهسپار شدند.

آقای شریعت نیز از خدمتگزاران برجسته دین و مروجین مبرز

شرع انور بوده الحق اسمی بامسمی دارند و از جمله خدمات گرانبهای ایشان تأسیس یک مدرسه دینی تاریخی در آن محل است که با این اقدام، الحق نام نیکی در صفحه روزگار از خود به یادگار گذاشتند و « باقیات صالحات » از زنده و اثر بخشی بوجود آورده اند که هر چه از اثرات سودمند آن سخن گفته شود کم است. ایشان با شایستگی و مجاهدات خود مورد توجه کامل حضرت آیه الله بروجردی بوده جا دار در این سفر نامه تاریخی تقدیری از خدمات و زحماتشان بشود تا سر مشق دیگران گردد و علاقمندان به خدمت به دین بایشان و امثالشان تأسی نمایند اهالی « ریز » تا یک فرسخی به اتفاق علماء محل به استقبال مهمانان خود شتافته بودند، چیزی که در این محلی بسیار جلب توجه می کرد این بود که دانش آموزان مدرسه ملی ریز که از مدارس وابسته به جامعه تعلیمات اسلامی است تا مسافتی از قصبه به اتفاق اولیای خود باستقبال آمده بودند و با فرح و انبساط و سرور و شمعف کودکان خود سرودی بس مهیج و شورانگیز می خواندند که بسیار جالب توجه و مسرت بخش بود. یکی از آقایان آموزگاران محترم نیز قصیده شیوائی انشاء نموده و ایراد کردند که مورد تحسین کامل قرار گرفت متن سرود مزبور و قصیده ایشان در ضمن قصاید و اشعار گویندگان درج خواهد شد.

در جریان این مسافرت تاریخی، خوابهای جالب توجه و رؤیاهای صادق ای از طرف پاره ئی از علماء و وجوه طبقات نقل شده است که در اینجا برای تکمیل این تاریخچه بذکر پاره ئی از آنها می پردازیم .

اول - امیر المؤمنین (ع) در اصفهان

صبح روز ورود آقای امینی بمنزل آقای خادمی، جناب آقای فیروزیان از وعاظ و خطبای محترم اصفهان که از ورود معظم له بی خبر بودند به خانه ایشان آمده اظهار داشتند که شب گذشته در خواب دیدم که بیست هزار جمعیت جلوی منزل شما گرد آمده اند و بشدت ابراز احساسات میکنند پرسیدم چه خبر است؟ در جوابم گفتند امیر المؤمنین (ع) آمده است و اینک آمده بودم که خواب خود را نقل کنم و از تعبیر و چگونگی آن بپرسم که دیدم بخوبی تعبیر شده است آری تعبیر این خواب عجیب همان ورود آقای امینی به منزل آقای خادمی بود که اگر مولی خود به آن خانه نزول اجلال نفرموده بودولی شاگرد برجسته مکتب جاویدان و پرورش یافته دانشگاه ولایت آثار حضرتش، به اصفهان قدم نهاده بود تا روح ولایت و ایمان به مذهب تشیع و حقانیت اهل بیت عصمت و طهارت را در کالبد ایشان زنده و تجدید نمایند.

دوم - نماینده امیر المؤمنین (ع)

هنگامی که مسجد سید را تعمیر می کردند بقراری که بعضی از بزرگان نقل می کردند یکی از کسانی که در امر تعمیر مسجد شرکت کرده بود شبی در خواب می بیند که به او گفته بودند مسجد را تعمیر کنید چه حضرت امیر المؤمنین (ع) یک نفر را خواهند فرستاد که در مسجد نماز بخواند . این خواب نیز که مؤید خواب اولی است بخوبی تعبیر شده و آقای امینی

که در آن مسجد اقامه نماز نمودند در حقیقت نماینده مولی امیر المؤمنین (ع) به شمار می رفتند.

سوم - نماینده حضرت صادق (ع)

جناب آقای شفتی در خواب دیده بودند که در مسجدسیدمردم جمع بودند و آقای امینی بر فراز منبر قرار داشتند و به موعظه مشغول بودند و مردم می گفتند که ایشان را حضرت صادق (ع) فرستاده اند.

البته این خواب هم با منبر علامه معظم در مسجد سید به خوبی تعبیر گردید و معلوم است وقتی عالمی افتخار آن داشته باشد که نماینده حضرت امیر المؤمنین علی (ع) باشد طبعاً نمایندگی حضرت صادق (ع) پیشوای مذهب جعفری و زنده کننده معارف و علوم اهل بیت و پرورش دهنده حاملان آثار و روایان اخبار آل محمد (ع) و سایر ائمه هدی (ع) را خواهد داشت و الحق این افتخار بزرگی است که نصیب آقای امینی گردیده که توانسته اند بنا بر حدیث شریف در ردیف یکی از بزرگترین امناء خدا قرار گیرند و عالم تشیع را بوجود خود مفتخر سازند.

چهارم - گریه شدید مردم

یکی از تجار محترم اصفهان نقل می کرد که در خواب دیده بود مسجد و خیابان چهارباغ از جمعیت پر بود و مردم به شدت گریه می کردند و من از گریه شدید مردم فهمیدم که آقای امینی منبر است پس تحقیق کرده خودم خدمت ایشان رسیدم و از علماء اصفهان شنیدم می فرمودند ایشان از برای ما به اصفهان فرستاده شده اند تا مقام علم و دانش به شماها روشن گردد این رؤیای صادقه نیز با آنچه که در باره گریه بی اختیار و شدید مردم در پای منبر معظم له قبلاً نوشتیم وفق می دهد و نشانه آن است که این هیجان عظیم تاریخی و این مسافرت بی نظیر تبلیغی دینی چه از نظر مسافر گرامی

و مهمان نامی و چه از لحاظ میزبانان عزیز یعنی قاطبه علماء و تجار و و محترمین و دانشجویان و کارگر آن و کشاورزان و پیشه وران و کلیه طبقات اصفهان مأجور بوده مقبول در گاه حضرت احدیت و حضرت ختمی مرتبت (ص) و شاه ولایت و خاندان عصمت و طهارت (ع) و امام منتظر در پس پرده غیبت (ع) قرار گرفته است امید آنکه این «ناچیز را نیز که افتخار ثبت این خاطرات دل انگیز را در تاریخ پر افتخار شیعه یافته ام از این فیض . عظمی و اجر کبری بهره ئی نصیب شود انشاء الله «یا لَیْتِنِی کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا»

ص: ۴۵

پایان ماه صفر به این مسافرت میمنت اثر خاتمه داد بی آنکه خاطره دل انگیز آنرا بتواند از دلها بیرون کند و یاد بود روح افزایش را از یاد مردم اصفهان برد و بدست فراموشی سپارد .

بامداد روز جمعه ۲۹ صفر، پس از آخرین شب منبر در مسجد جامع مقدمات حرکت به طرف تهران فراهم گردید و مردم که از قصد عزیمت معظم له آگاه بودند بامدادان جمعیت انبوهی از مردم متدین و محترمین شهر و علماء و وعاظ و علاقمندان به قصد مشایعت در منزل جناب حجه الاسلام آقای خادمی حضور یافتند.

خیابان چار باغ اصفهان که در مواقع عادی منظره ی بهجت انگیز و شاعرانه دارد در آن با مداد تاریخی ، وضعی بی سابقه داشت و کثرت جمعیت بقدری بود که مانع از حرکت وسائط نقلیه گردید. بیش از پنج شش هزار دوچرخه سوار و تعداد زیادی اتوبوس و سواری تا دو فرسخی شهر اتوموبیل مآمان عالی تقدر خود را بدرقه نمودند و احساسات مردم هشیار و زنده دل اصفهان در مراسم این وداع فراموش نشدنی بحدی پر شور و مهیج و تکان دهنده بود که بر استی، بوصف در نمی آید و بجرئت می توان گفت که بروز چنین احساسات دینی و مذهبی کمتر نظیر پیدا کرده است.

نکته ای که از هر جهت قابل ذکر و شایان تقدیر است مساعی و مجاهدات علاقمندان و مشتاقانه افسران و مأمورین انتظامی است که در این شور و هیجان عمومی با کمال علاقه و از جان و دل در حفظ انتظامات میکوشیدند و مراتب اخلاص و علاقمندی خود را بجامعه روحانیت ابراز می داشتند و در تظاهرات عظیم مذهبی وظیفه حساس و سنگین خود را در برقراری نظم و انتظام عمومی اجرا می نمودند که الحق در خور هر گونه قدر دانی و

سپاسگزاری است و جا دارد که تقدیر بی شائبه و تشکر بی تکلف علاقمندان به حوزه مقدسه روحانیت از این افسران وظیفه شناس که در جلوی صفوف مردم با جان و دل احساسات روحی و علائق مذهبی را آشکار می ساختند در این سفر نامه تاریخی بیادگار بماند.

این بود خلاصه ای از جریان سفر تاریخی علامه بزرگ معاصر حضرت آقای شیخ عبدالحسین امینی صاحب کتاب شریفه « الغدیر » باصفهان که با مسافرت سودبخش و وافی هدا به خود افتخار بزرگی نصیب مردم آنسامان نمودند و خاطره ی شیرین و جاویدان از خود در آنشهر تاریخی بر جای گذاردند که تا ابد از صفحه تاریخ محو نخواهد شد.

و سزاوار است که همه از وجود محترم عالم عالی مقام حضرت حجه الاسلام و المسلمین آقای خادمی متشکرو سپاسگذار شوند که ایشان عمده وسیله این همه خیرات و برکات بودند.

این پیشامد تاریخی ، از بسیاری جهات درسهای گرانبھائی به مردم ایران می دهد که از نظر عالم تشیع بسی قابل توجه و شایان اهمیت است.

این منبر و این محراب ، این جمعیت و این احساسات به خوبی روح پاک مردم ایران و علائق مذهبی توده ملت را به دنیا معرفی می کند و مشت محکمی بدهان مخالفین دین مبین و جامعه روحانیت و عالم تشیع وارد می سازد و ثابت می نماید که علیرغم تبلیغات زهرآگین و سمپاشی های روز افزون دشمنان و معاندین که برای ریشه کن ساختن درخت دین و بر باد دادن ایمان مردم و نشر بی دینی و فساد و فحشاء و منکرات از هیچ اقدامی فروگذار نمی کنند تا زمینه را کاملاً برای تأمین منافع شوم و مطامع پلید خود مهیا سازند و راه پیشرفت خود را هموار گردانند ؛ هنوز قلوب پاک مردم ایران از عشق بحق و حقیقت آکنده و خانه دلشان بنور تابناک دیانت و ولایت روشن است و هر گاه مجالی برای تظاهر بیابند و

فرصتی برای ابراز احساسات سرشار و بی شائبه درونی بدست آورند - چنان شور و هیجانی از خود نشان می دهند که براستی زبان و قلم از وصف آن عاجز است.

آری هنوز مردم ایران بدین پاک و مذهب حقه خود وفا دارند و با همه مقدمات و وسائلی که برای تضعیف نیروی دین و تخریب ایمان مردم فراهم شده است خدمات مؤثر شرعی و تبلیغات صحیح دینی را با روح پاک و استعداد کامل استقبال می کنند و از جان و دل برای هر گونه خدمت و فداکاری و ایثاری در راه دین آماده و مهیا هستند که جا دارد از این احساسات بی شائبه ملی و دینی برای رسوائی دشمنان دین و ترویج و تبلیغ آئین مقدس حضرت خاتم النبیین (ص) و مذهب حقه ائمه طاهرین (ع) بنحو احسن استفاده شود و این نیروی سرشار و عظیم ملی در راه تشیید و تحکیم مبانی تشیع و بسط و توسعه روزافزون آن به کار افتد تا همانگونه که پیش قدمان این مذهب مقدس دین خود را در راه استواری بنای آن ادا نموده با مجاهده و کوشش کاخ رفیع مکتب جعفری را برافراشتند و آنرا به صورت یک مذهب رسمی بدست ما دادند و ما نیز با استفاده از این رسمیت قانونی، این رسالت تاریخی را بعهدده گرفته آنرا تابناکتر و قویتر و نیرومندتر و استوارتر بدست نسل های آینده بسپاریم و این مقصود مقدس جز با ایجاد یک نهضت تبلیغاتی مداوم و تمرکز تمام قوا و نیروهای تبلیغی و بوجود آمدن یک رهبری فعال حاصل نخواهد شد.

درس بزرگ دیگری که از این مسافرت فراموش نشدنی و این منابر بی نظیر تاریخی گرفته می شود توجه باین نکته مهم و اساسی است که نتایج درخشان و گرانبهائی که از این سفر بزرگ بدست آمد و عاید جهان تشیع گردید همه و همه از آثار درخشان دانشگاه بزرگ شیعه یعنی نجف اشرف است که اگر باب مدینه علم حضرت ختمی مرتبت (ص) را در بر و در خاک مقدس خود مدفون دارد خود براستی در و از مدینه علم بشمار میرود و قرنهاست که مفهوم واقعی و عملی حدیث شریف نبوی یعنی: «انا مدینه العلم و عملی با بها فمن اراد العلم فلیاتها من با بها» (۱) را آشکار ساخته است.

آری نجف براستی دروازه مدینه علم پیغمبر اکرم (ص) است و آنها که از این درگاه مقدس قدم در آستانه علم نهادند و وارد در دانشگاه جاویدان مقام ولایت شدند به حقائق و اسرار علم و گنجینه های تمام نشدنی علوم و معارف الهی دست یافتند و هر یک چون پهلوانی برای یکه تازی در میدان نبرد علمی و مبارزه دینی با دشمنان اسلام و منکرین فضائل و مناقب و حقوق خاندان مقدس رسالت و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) آماده شدند و خدمات گرانبها و فراموش نشدنی بعالم تشیع و مذهب حقه جعفری انجام دادند.

نجف، از هنگامی که مرکزیت علمی یافت و شیفتگان علوم و معارف اهل بیت (ع) پروانه وار گرد شمع تابان و خاموش نشدنی وجود مقدس مولی الموحدین و سید العارفین و امام المتقین وقائد الغر المحجلین

ص: ۴۹

۱- این حدیث شریف از طریق شیعه و سنی بحد تواتر روایت شده است که رجوع به جلد ششم الغدیر روشن میسازد.

امیر المؤمنین علی (ع) جمع آمدند ، از پر تو انوار درخشان آن امام بزرگ و آن پیشوای سترک بتمام بلاد اسلامی خصوصاً حوزه تشیع نور افشان است و پرورش یافتگان این مکتب جاویدان و این دانشگاه بلند ایوان ، بسهم خود در اشاعه و ترویج آئین جعفری (ع) گامهای بزرگی برداشته اند که شاید مهمتر از همه تألیف غیر قابل توصیف کتاب شریف « الغدیر » این گنجینه بزرگ معارف شیعه باشد که با وجود همه کارشکنی ها و مخالفتها و جلو گیریهای متعصبین اهل سنت ، تکانی هیجان آمیز در عالم تسنن پدید آورده برادران سنی ما را که تحت تأثیر تبلیغات تعصب آمیز از حقیقت مذهب جعفری و حقانیت مولی علی (ع) بی خبر بودند باین حقائق آشنا ساخت و شیعه را نه بنام نامأنوس و ناموزون « رافضی » ، بلکه بعنوان مسلمان واقعی و بهره مند از اسلام حقیقی بدنیا و عالم تسنن معرفی نمود و حقانیت مذهب حقه تشیع را تنها از روی کتب و منابع و مآخذ و اسناد مورد اعتماد و قبول اهل سنت به اثبات رسانید و این خدمتی است که هر فرد شیعه، مخصوصاً آنها که با تقیه و فشار و ناراحتی و اضطراب در میان برادران نامهربان و متعصب سنتی خود بسر می برند باید از آن قدردانی و سپاسگزاری کنند و شکر این نعمت بزرگ را که با موهبت الهی نصیب شیعیان شده است بجا آورند.

اما شکرانه این نعمت عظیم و موهبت عظمی و سپاسگزاری از افاضات کامله ئی که در طی قرنهای آستانه مقدسه مولی امیر المؤمنین (ع) و دانشگاه بزرگ نجف اشرف نصیب جامعه اسلامی و تشیع شده ، نه شکر زبانی است بلکه بر جمیع علاقمندان آئین تابناک جعفری و موالیان و پیروان حضرت شاه ولایت فرض است که در تقدیس و تکریم و تقویت این یگانه دانشگاه شیعه از هیچ کوشش و خدمتی فروگذار نکرده در خدمت گذاری و بقا و حفظ و حراست این پایگاه مقدس علمی از بذل جان و مال کوتاهی نکنند و آنچه همت والایشان اقتضا می کند در راه حفظ این اساس مقدس و تشیید مبانی با عظمت آن بجا آورند و نه تنها در تجلیل و

تکریم از دانشمندان و اساتید معظم این حوزه مقدسه بر یکدیگر سبقت جویند بلکه دانشجویان و طلاب زحمتکش و فدا کار آنرا که در سخت ترین شرایط و تنها بعشق تحصیل علم و درک افاضات کامله آن آستانه مبارکه به کسب علم و دانش و تبحر در علوم دین مشغولند، مورد تشویق و تقدیر قرار دهند .

بامر کزیتی که نجف از نظر معارف و علوم شیعه داشته و دارد و با توجهی که قاطبه مسلمانان و شیعیان ، یعنی مذاهب مختلفه ای که با قبول بامامت مولی(ع) بنام شیعه شناخته میشوند (مانند زیدیه و کیسانیه و اسماعیلیه و غیره) به این آستانه مقدسه دارند و با ترقیات علمی که عصر ما شاهد و ناظر آنست ، باید تحولی در اوضاع تحصیلی نجف بوجود آید و بنای مدارس مندرس قدیمی به ساختمانهای نوین و آبرومند با وسائل جدید مبدل شود که طلاب علوم دینی بتوانند با فراغت بالکامل و آسودگی خیال خوشه چینی از آن خرمن بیکران علوم و معارف الهی بردازند .

بعقیده نگارنده مدارس علوم دینی باید، مطابق آخرین اصول امروزی جهان مجهز بوسائل نوین و بطریق دانشگاههای شبانه روزی اداره شود و محصلین از بابت غذا پوشاک و بهداشت کاملا آسوده باشند و رویه و وضع ناگوار و پر زحمت فعلی بکلی متروک گردد و در برنامه های تحصیلی نیز باید علوم جدید که دنیای امروز ایجاب مینماید گنجانده شود تا فارغ التحصیل های این مدارس بتوانند وظیفه تبلیغی خود را در دنیای کنونی ایفا نمایند و چه نیکوست که هر ساله عده ئی از فارغ التحصیلهای دانشکده حقوق و ادبیات و معقول و منقول که به زبانهای خارجی آشنایی کامل داشته باشند از طریق مسابقه انتخاب شوند و با مزایایی که برای آنها در نظر گرفته میشود با برنامه مخصوصی برای امر تبلیغ و اعزام به ممالک خارجی مجهز گردند و اگر حوزه روحانیت و علاقمندان بترویج مذهب تشیع باین امر بذل توجه فرمایند در بین آنان بسیاری از جوانان متدین و علاقمند بمبانی

دین و شیفته تقبل خدمت مقدس تبلیغ وجود دارند که متأسفانه زمینه ئی برای تحقق آرمان قلبی خود نمی بینند .

امید است با تأییدات الهی و عنایات خاصه حضرت مولی الموالی (ع) نظرات خیر خواهانه و صادقانه این نا چیز مورد توجه قرار گرفته بمرحله عمل در آید.

ص: ۵۲

نخستین بار که یگانه رهبر عالم انسانیت و یکتا منجی جامعه بشریت، حضرت ختمی مرتبت (ص) مورد خطاب الهی قرار گرفت و آیات ربانی بر ذات همایونش خوانده شد پس از خلقت بشر، موضوع تعلیم انسان بوسیله قلم و آموختن آنچه را که نمیداند تذکر داده شده است چنانکه در آیات شریفه میفرماید:

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»

یعنی: بخوان بنام پروردگارت که آفرید. انسانرا از خون بسته (۱) آفرید، بخوان و پروردگارت از همه بزرگتر است، آنکه بوسیله قلم تعلیم فرموده و انسان را آنچه نمیدانست بیاموخت.

بطوریکه ملاحظه میشود، در این آیه شریفه پس از خلقت بشر دو نکته مهم تذکر داده شده است: یکی موهبت علم که در سایه آن آدمی آنچه را که نمیداند میآموزد و دیگری نعمت قلم که وسیله نشر و تعلیم علم است و بدون آن آموزش علم میسر نبوده و نخواهد بود.

ص: ۵۳

۱- علق در زبان عرب هم بمعنی خون بسته و هم زالوست و در این آیه شریفه دو حالت پیدایش اولیه بشر تذکر داده شده است. اگر علق بمعنی خون بسته باشد اولین حالت انسان پس از انعقاد نطفه در رحم مادر است. اگر بمعنی زالو گرفته شود باید دانست که اسپرماتوزوئید شناور در منی (میلیونها) که در نتیجه جفت شدن با اوول مادر، نطفه را منعقد میسازد بشکل زالوست.

بشر با موهبت عظمی علم توانست بحقائق عالم و اسرار وجود و رموز جهان پی ببرد و مراحل رقاء و تکامل را به پیماید و با نعمت کبرای قلم موفق شد که علوم و دانسته ها و معارف خود را ثبت نموده در دسترس دیگران گذارد و بانتشار و ترویج و آموزش آنان همت گمارد بطوریکه میتوان گفت که اگر قلم نبود، علم را راهی برای بشر و رواج نمی بود و قلم توانست بوسیله کتابت و نوشتن بزرگترین خدمات را بعالم بشریت انجام دهد و از اینجا میتوان باهمیت و مقام و ارزش کتاب در ترقی علوم و توسعه معارف و رقاء اجتماع و کمال جامعه پی برد و هنگامی تأثیر کتاب در حصول این نتایج در خشان معلوم میشود که می بینیم خداوند تبارک ، که خود منشاء علم و مبدع قلم است ، برای هدایت و راهنمایی بشر به کتاب متوسل شده تعالیم الهی و برنامه آسمانی خود را بوسیله کتب سماوی در دسترس آدمیان قرار داده و پیامبران و فرستادگان خود را بعنوان رهنما و مربی و معلم بندگانش معین فرموده است که در بین همه کتب مقدسه الهی ، قرآن بر جستگی و درخشندگی بی نظیری دارد و برای اهمیت آن همین بس که تنها کتابی است بعنوان معجزه بآن تحدی شده و مهر ختام بمنشورات و کتب آسمانی زده جاوید و ابدی سایه هدایت بر سر آدمی خواهد داشت .

شکی نیست همانگونه که کتاب وسیله ارشاد و هدایت و نشر علم و دانش و توسعه فرهنگ و تهذیب اخلاق و تزکیه ارواح و رشد عقول و ترقی افکار است ، بد آن نیز میتواند تأثیر بسزائی در ضلالت و گمراهی افراد و فساد و اختلال امور اجتماع و نشر مفاسد اخلاقی و آلودگی ارواح و غلبه هوی و هوس و انحطاط افکار داشته باشد و روی همین اصل نیز انتشار کتب ضلال و گمراه کننده و خرید و فروش و تهیه و خواندن آنها (مگر برای اهل علم و دانش و بمنظور رد) منع گردیده و برای تحصیل علم واقعی و سعادت بخش بیش از عبادت ثواب و اجر و پاداش قائل شده اند.

از آنچه گفته شد اهمیت کتابخانه معلوم و آشکار میشود چه کتابخانه گنجینه کتب و خزینه علوم است که بوسیله آن میتوان بافکارو تتبعات و تحقیقات و کاوشهای گذشتگان و پیشقدمان در علوم و معارف آگاه شد و نتایج حاصله و اکتشافات ناتجه آنان را دنبال و تعقیب نمود و به کشفیات جدید و اسرار نوین دست یافت و لذا از همان ایام قدیم تأسیس کتابخانه مورد توجه و اهمیت بوده است و ملل و اقوام متمدن قدیم مانند مصریان و هندیان و چینیان و ایرانیان دارای کتابخانه های بزرگ بوده اند.

تاریخ کتاب و کتابخانه

قدیمترین کتابخانه در زمان « رامسس کبیر » فرعون معروف مصر تأسیس گردید و « بیزیترا تیدس » پادشاه یونان در قرن ششم قبل از میلاد کتابخانه ئی در یونان تأسیس نمود که تا زمان حمله خشایارشا باقی بود (۱).

در اواخر قرن سیم قبل از میلاد کتابخانه ئی در یونان تأسیس شد که بعداً به اسکندریه انتقال یافت و مشهورتر از آن، کتابخانه عمومی است که بطلمیوس سو تبر (۲۸۳ - ۳۴۷ ق - م) در اسکندر به بوجود آورد که مجموع کتب آن به دو میلیون نسخه بالغ میگردد.

در روم قدیم نیز اولین کتابخانه در عهد امپراتور «او گوست» بدستیاری «از بنیوس بولیون» عالم معروف تأسیس شد که به کتابخانه «او کتاو» موسوم گردید. او همچنین در قصر سلطنتی خود کتابخانه ئی بنام «آپولان» تأسیس کرد. در دوره قرون وسطی، کتاب و کتابخانه ها در کلیساها متمرکز گردید ولی متاسفانه هر گاه که کشیشان نیاز بنوشتن کتابی داشتند از کاغذ کتابهای موجود استفاده میکردند یعنی نوشته آن کتابها را پاک نموده دوباره مینوشتند و لذا بسیاری از کتب سابقه بدین ترتیب از بین رفت.

ص: ۵۵

۱- مطالب این قسمت از دائره المعارف فریدو جدی استفاده شده است.

در قرن هشتم میلادی، در دوران «شارلمانی» امپراتور معروف فرانسه (معاصر هارون الرشید) ذون و شوق کتاب در اروپا رایج شده و به گردآوری کتب پرداختند و رفته رفته نشر کتاب و کتابداری مورد توجه روز افزون واقع شد و مخصوصاً با منازعات خونین بین کاتولیک‌ها و پروتستانها و جنگهای مذهبی اروپا، در قرن ۱۵، بازار کتاب گرم شد و پس از اختراع صنعت چاپ در قرن ۱۶ روز بروز بر انتشار و ترجمه کتب سابقین و نشر کتابهای تازه و تأسیس کتابخانه‌های عمومی افزوده گشت.

کتاب و کتابخانه در اسلام

در اسلام، که آئین علم و حکمت بوده نشر و توسعه آن با علم و قلم و کتاب آغاز گردیده است، کتاب از همان روز نخست مورد توجه بود و محک بین حق و باطل، علم شناخته میشد و مخصوصاً با نشر اسلام در آفاق و بلاد و ارتباطی که بین ملل متنوع و اقوام مختلف که از شرق تا غرب به زیر لوای اسلام در آمده بودند، پدید آمد نشر معارف و انتشار و تالیف کتب بهترین وسیله ارتباط معنوی ملل اسلامی بوده و لذا کتابخانه‌های عظیمی در بغداد و طرابلس و اسکندریه و شام و اندلس و شهرهای ایران بوجود آمد از جمله در اندلس ۷۰ کتابخانه عمومی وجود داشت که مکتبه قرطبه آن ۴۰۰ هزار جلد کتاب داشت و کتب کتابخانه قاهره به ۱۶۰۰۰۰۰ هزار نسخه بالغ می‌شد. دکتر گوستاو لو بون در کتاب پنجم از تاریخ و تمدن اسلام و عرب «اختراع کاغذ را، که ماده حیاتی و اولیه کتاب و کتابت است، به مسلمین نسبت داده می‌نویسد:

«در قرون وسطی تا مدتی تحریرات اهل اروپا روی پوست بوده است و آن بقدری گران تمام میشد که از انتشار و اشاعت کتب جلوگیری مینمود و آن یک چند هم به درجه کی نایاب بود که جماعت رهبان روم و یونان تعانیف قدیمه خیلی ضخیم را جمع نموده حروف و کلمات آنها را حک کرده روی صفحات آنها مسائل مذهبی تحریر مینمودند و اگر مسلمین

کاغذرا اختراع نکرده بودند همین رهبانها تمام کتب قدیمه را که تحت نظر آنها قرار گرفته بود بر باد میدادند کشف چنین چیزی که قائم مقام (پا پیروس) مصریها باشد و یا بجای پوست بتوان آنرا استعمال کرد در حقیقت خدمت نمایانی بود بعالم علم.»

و در باب دهم از این کتاب در باره و انتشار تمدن عرب و اسلام در اروپا «مینویسد:

و همانطور که تذکر داده ایم انتشار علوم عرب در اروپا بوسیله جنگ صلیب نبوده بلکه از آندلس و جزیره صقلیه و ایتالیا بوده است چنانکه در سال ۱۱۳۰ میلادی دارالترجمه ئی در طلیطله تحت ریاست اسقف اعظم «رایمون» تأسیس شده تمام کتب مشهور عربی برادر لاتینی شروع به ترجمه نمود از این تراجم موفقیت کاملی حاصل گردید یعنی چشمان اروپائیان از این کتب باز شد دنیای تازه ای را توانستند بنظر بیاورند سلسله این ترجمه ها تا قرن چهاردهم در جریان بود در اینجا نه فقط کتب رازی البقاسم ابن سینا و ابن رشد را به لاتین ترجمه نمودند بلکه مصنفات جالینوس، ذیمقراطیس، افلاطون، ارسطو، اقلیدس، ارشمیدس، بطلمیوس را که مسلمین ترجمه کرده بودند تمام آنها را هم بزبان لاتین نقل نمودند.

دکتر لکلرک در تاریخ طب خود زیاده از سیصد کتاب مشهور عربی را ذکر می کند که تمام آنها در لاتین ترجمه شده اند و در قرون وسطی اطلاعاتی که از علوم یونان برای ما حاصل شد بوسیله همین ترجمه های عرب بود و از برکت همین تراجم توانستیم که تصنیفات قدیمه یونان را بدست بیاوریم... و بدین جهت تمام دنیا باید رهین منت اعراب باشند که فقط آنها خدمتی بمعارف دنیا کرده و این ذخائر بی بها را از دستبرد حوادث زمانه حفظ نمودند...

تمام دانشکده ها و دانشگاههای اروپا تا پانصد الی ششصد سال روی همین ترجمه ها دائر، و مدار علوم ما فقط علوم مسلمین (عرب) بوده

است ... نفوذ اخلاقی همین اعراب (زائیده اسلام) آن اقوام وحشی اروپا را ... داخل در طریق آدمیت نموده و نیز نفوذ دماغی و عقلائی آنان دروازه علوم و فنون و فلسفه را که از آن بکلی بی خیر بودند بروی آنها باز کرده تا ششصد سال استاد ما اروپائیان بودند» این بود خلاصه ئی از نوشته دکتر گوستا و لوبون در باره علوم و کتب مسلمین .

بطوریکه نوشته اند مأمون یکصد بارشتر کتاب به بغداد حمل کرد و یکی از شروط معاهده صلح بین او و میشل سوم (امپراتوروم شرقی) آن بود که یکی از کتابخانه های قسطنطنیه را باو اهداء نماید که از جمله ذخائر گرانبهای آن، کتاب هیئت بطلمیوس بود که مأمون بترجمه آن امر نمود و آنرا مجسطی نامید: تنها در کتابخانه قاهره شش هزار و پانصد جلد در طب و علوم فلکی وجود داشت ، در این کتابخانه نیز دو کره زمین از نقره و برنز بود که بدست بطلمیوس ساخته و سه هزار کورون (سکه یونانی) طلا خرج آن شده بود.

کتابخانه سلاطین اندلس بالغ بر ششصد هزار جلد کتاب داشت و فهرست آن مشتمل بر چهل و چهار جزء بود.

در بغداد برای نخستین بار (۸۰۰ میلادی) کتب ارسطو و افلاطون و هیپوکرات ترجمه شد و هر یک از خلفای بنی عباس مورخی برای ثبت تاریخ خود داشتند و در سراسر ممالک اسلامی بر اثر تشویق و حمایت امراء و سلاطین و حکام ، از علما و دانشمندان ، کتابخانه ها و مدارس و دانشگاههای فراوان وجود داشت و غالب بزرگان علم و ادب مقام وزارت یافتند .

در بین امراء مسلمین ، نخستین کسی که به گرد آوری کتب و تأسیس کتابخانه همت گماشت ، بطوریکه ابن خلدون مینویسد، خالد بن یزید اموی بوده است که خود مردی دانا در علوم و فنون بوده مخصوصاً در طب و شیمی (کیمیا) بصیرت داشته و ترجمه کتب طبی و شیمیائی

مصریان و یونان امر نمود در دوران ابی جعفر منصور دوانقی ترجمه کتب فارسی و یونانی رایج گردید و در زمان هارون الرشید علاوه بر کتابخانه، دیوانی برای مؤلفین و مترجمین بوجود آمد و یحیی بن خالد . برمکی پیشرو این نهضت بود.

مأمون نیز در ترجمه کتب یونان سیصد هزار دینار صرف نمود. سلطان ابراهیم بن محمود غزنوی هر سال یک نسخه خطی از قرآن تهیه میکرد و به مکه معظمه میفرستاد . سلطان ابا الحسن پادشاه افریقا دو قرآن بخط خود نوشت یکی را بمکه و دیگری را بمدینه فرستاد و پیش از اتمام نسخه سوم که برای بیت المقدس در نظر داشت فوت نمود. وزیر الوائق بالله هر ماه سی هزار دینار برای ترجمه و استنساخ کتب مصرف میکرد. المستنصر بالله گروهی از تجار را برای خرید کتب بنقاط مختلف اعزام میداشت و هزار دینار طلا به ابوالفرج اصفهانی صاحب اغانی داد و او ۵۰ سال در تالیف این کتاب رنج بود.

در دوران سلاطین اموی در اندلس، معارف عرب در اسپانی(چنانکه گوستا و لوبون نوشته و دیدیم) باوج عظمت خود رسید و کتابخانه هائی در آن سامان بوجود آمد که قبل و بعد از آن مانند پیدا نکرده است .

در دوره ضعف خلفای عباسی و پیدایش دول مستقل: سامانی در نجارا بن حمدان در شام ، آل بویه در فارس ، فاطمیون در مصر ، هر یک از آنان در شأن و رفعت علم و ترویج و انتشار کتب و تأسیس کتابخانه ها بذل همت نمودند .

هنگامی که نوح بن منصور سامانی تکلیف وزارت به صاحب بن عباد نمود او تنها بعلت اینکه نمیتواند کتابهای خود را حمل کند و چهار صد شتر برای بار کردن آنها لازم است از قبول وزارت سر باز زد.

در مرو بیش از ۱۲ کتابخانه بزرگ موجود بوده است .

این گنجینه های علوم و معارف بر اثر هجوم چنگیز و تیمور بدست فنا و نابودی سپرده شد تا اینکه فرزندانشان اسلام پذیرفته و دوباره بهمت وزرای دانشمند خود بترویج علوم همت گماشتند و بزرگان علم و دانشمندان را بدور خود گرد آوردند مانند خواجه نصیر الدین طوسی وزیر هلاکوخان و قطب الدین راوندی شیرازی و سعدالدوله تفتازی . دولت مغولی هند نیز در هندوستان در این باره مساعی فراوان ابراز داشتند از جمله سلطان شاه جهان و عادل شاه و قطب شاه که بتأسیس کتابخانه ها و ترویج علوم و نشر کتب پرداختند

کتاب در شیعه

با انتساب شده به امامیه به مولای متقیان و باب مدینه علم سید عالمیان حضرت علی مرتضی (ع) میتوان گفت که تدوین و تنظیم نخستین کتاب در اسلام بدست آنحضرت صورت گرفت و آن قرآنی بود که پس از رحلت وجود مقدس حضرت خاتم الانبیاء (ص) تا مدتی به تنظیم و گرد آوری اوراق و صحائف متفرق آن پرداخت که متأسفانه مورد قبول اصحاب سقیفه واقع نشد و تا ظهور مسعود حضرت بقیه الله (ع) از انظار عالمیان پنهان خواهد بود.

در کتابخانه های مهم و معتبر از جمله کتابخانه آستانه قدس رضوی قرآنهائی بخط آن حضرت موجود است که افتخار آن نصیب شیعه خواهد بود.

از زمان حضرت امام زین العابدین (ع) تا زمان حضرت عسکری شش هزار اصل (کتاب). بوسیله رواه و محدثین آثار و اخبار ائمه اهل بیت (ع) نوشته شد که در مسائل مختلف بود و از میان آنها ۴۰۰ اصل که بنظر امام (ع) رسیده و تصحیح شده بود مورد اتفاق قرار گرفت و چون این اصول (اربعمائه) از نظر مطالب و مندرجات منظم و مبوب

نبود و مسائل مختلفه بطور متفرق در آنها گرد آوری شده بود لذا برای نخستین بار علامه بزرگ و پرچمدار عالیقدر شیعه حضرت ثقه الاسلام محمد بن یعقوب کلینی (ره) در مدت بیست سال کتاب گرانبهای کافی (۱) را (اصول و فروع) از روی اصول مزبور تدوین و تألیف نموده شانزده هزار و یکصد و نود و نه حدیث در آن کتاب گرد آورد و اولین کتابی است که در دوران غیبت صغری مدون و مبوب گردید که بوسیله سفرای کبار بارگاه کیهان مدار بنظر مبارک سلطان جهان دربار رسید و شاه عباس ثانی ملا خلیل قزوینی را امر بترجمه و شرح آن بفارسی نمود که در سال ۱۰۸۶ بنام صافی پایان پذیرفت.

بعد از کلینی محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به صدوق، از روی اصول مزبور کتاب «من لا یحضره الفقیه» را تدوین نمود و چهار هزار و چهارصد و نود و شش حدیث در چهار مجلد آن گرد آورد.

پس از آن عالم جلیل، شیخ طایفه امامیه، محمد بن حسن طوسی دو جلد کتاب تهذیب و استبصار را از اخبار آل محمد (ع) تألیف و گرد آوری نمود. کتاب تهذیب از اول طهارت تادیات در دو جلد و در کتاب استبصار (۲) پنج هزار و پانصد و یازده حدیث گرد آوری شده است.

این چهار کتاب یعنی: کافی، من لا یحضره الفقیه - تهذیب و استبصار چهار کتاب اصلی و چهار رکن شیعه امامیه بشمار میروند که ریشه معارف و مبانی مذهب جعفری را تشکیل میدهند علاوه بر این چهار کتاب اصلی، از طرف علماء و محققین و متکلمین و حکما و فقهاء شیعه امامیه، کتب بسیار در مباحث مختلف تدوین و تألیف و انتشار یافته است که ذکر

ص: ۶۱

-
- ۱- اصول کافی اخیراً در تهران در دو جلد بطبع رسیده و استبصار نیز در نجف اشرف بزور طبع آراسته گردیده که در این مورد همت آقایان حاج شیخ محمد و شیخ علی آخوندی دو برادر خدمتگزار دین قابل تقدیر است.
 - ۲- اصول کافی اخیراً در تهران در دو جلد بطبع رسیده و استبصار نیز در نجف اشرف بزور طبع آراسته گردیده که در این مورد همت آقایان حاج شیخ محمد و شیخ علی آخوندی دو برادر خدمتگزار دین قابل تقدیر است.

آنها نیازمند بکتابی بزرگ است از جمله خدمت بر جسته سید رضی (ره) در تدوین نهج البلاغه و گرد آوری خطب دلنشین و بیانات شیرین و مواعظ روحانی و سخنان آسمانی مولی امیر المؤمنین (ع) است که خود بهترین سند برای حقانیت شیعیان آنحضرت بشمار میرود که از طرف علماء بزرگ اهل سنت از جمله ابن ابی الحدید و شیخ محمد عبده شرح شده است در کتاب شریف الغدیر جلد چهارم در ترجمه حال مؤلف نهج البلاغه برای این کتاب هشتاد و یک شرح و ترجمه ذکر شده است .

معروفترین علمای شیعه پس از کلینی و صدوق و طوسی که در علم حدیث قدمهای برجسته بر داشتند عبارتند از : محمد بن مرتضی کاشانی معروف به فیض صاحب کتاب وافی در شرح کافی و تفسیر صافی و محمد بن حر عاملی مؤلف کتاب معروف وسائل الشیعه و ملا محمد باقر مجلسی که کتاب گرانها و نفیس بحار الانوار را تالیف و تنظیم نموده است .

بحار الانوار دائره المعارف شیعه و مجموعه ایست از علوم و معارف مکتب حقه جعفری که الحق خدمتی بسزا و شایان تقدیس است و چقدر جای خوشبختی است که اخیراً بطبع آن همت گماشته شده است .

مرحوم مجلسی علاوه بر بحار، کتب بسیار دیگری تألیف و تصنیف فرموده است که هر یک افتخاری از افتخارات شیعه بشمار میرود . در جهان تشیع نیز ، پس از آنکه رسمیتی پیدا کرده و توانست از میان فشار و اختناق دیرین قدر است کند و پرده تقیه را به یک سو زند و آشکارا اظهار وجود نماید ، انتشار و تدوین روزافزون کتب با تأسیس کتابخانه های مختلف در مراکز تشیع همراه بود که از آنجمله کتابخانه وزیر دانشمند بزرگ شیعه اسماعیل صاحب بن عباد که تاریخ حیاتش بر وجه تفصیل در جلد چهارم الغدیر از صفحه ۴ - ۸۱ ذکر گردیده و آن کتابخانه دارای حمل چهارصد شتر یا بیشتر بوده سلطان محمود سبکتکین اکثر آنها

را که کتب مذهبی و حاوی معتقدات شیعه بودسوزانید.

کتابخانه علم الهدی شریف مرتضی یگانه رئیس مذهبی با عظمت شیعه (۱) متوفای سال ۴۳۶ و آن کتاب خانه دار ای هشتاد هزار کتاب بوده و اگر صاحب نظر محقق کتاب شافی آن و سایر تالیفات پر بهای آیه الله شریف را مطالعه نماید اطلاع کامل به اهمیت آن کتابخانه می رساند.

پس از آنها کتابخانه شیخ طائفه حقه ابو جعفر طوسی و فیلسوف کبیر خواجه نصیر الدین طوسی است که طعمه حریق گردید .

و مهمتر از همه کتابخانه آستانه قدس رضوی است که قدیمترین کتابخانه شیعه بشمار می رود و با اینکه دست تعدی ریشه کنی به او دراز شده و در هجوم افغانها طعمه آتش گشته باز اکنون در حدود ۴۰ هزار جلد کتاب دارد که در بین کتب موجود در آن نسخ منحصر بفرد و بسیار نفیس موجود است که از این حیث در ممالک اسلامی شاید بی نظیر باشد از جمله یک کتاب بسیار قدیمی در آن یافته میشود بنام خواص الاشجار که قبل از اسلام نوشته شده و سپس به زبانهای لاتینی و سریانی و عربی ترجمه گردیده و در سال ۱۰۱۷ از طرف شاه عباس کبیر وقف آستانه مقدسه شده است. در این کتاب از نباتات و خواص آنها صحبت میشود و ۷۴۷ صورت از گیاهان و ۱۴۸ صورت انسان و حیوان در آن وجود دارد. در این کتابخانه ی کدوره بحار الانوار خطی بخط حاج میرزا احمد واعظ خراسانی که شخصاً نوشته و وقف آستانه نموده موجود است که الحق این همت پر شور شایان تقدیس است رحمه الله علیه.

ص: ۶۳

۱- شرح حالات بطور مفصل در جلد چهارم الغدیر ص ۲۶۲ تا ۲۹۹ مذکور است.

اکنون که اهمیت کتاب و کتابخانه و توجه عالم تشیع به این وسیله مهم و اساسی نشر علم و معارف معلوم و آشکار گردید ، میتوانیم با روشنی و برجستگی تمام از خدمت درخشان و افتخار آمیز و گرانبهای دیگری که علامه معظم حضرت آیه الله آقای امینی در جوار مرقد مقدس مولی الموالی حضرت علی (ع) آغاز نموده و با گامهای بلند و مصمم رو بجلو پیش میروند ، یاد کنیم و آن عبارتست از تأسیس :

مکتبه الامام أمير المؤمنين (عليه السلام) العامه

با اهمیت شایان توجهی که سابقاً از نظر مرکزیت علمی نجف بیان کردیم و با توجه باینکه این شهر مقدس علمی متأسفانه فاقد یک کتابخانه بزرگ آبرومند متمرکز مجهز بود ، اهمیت این خدمت عظیم آقای امینی معلوم میگردد و اکنون بسیار جای خوشوقتی است که بهمت والای معظم له از دو سال و اندی پیش که ایشان باین امر مهم همت گمارده اند با وجودی که متأسفانه هم کیشان گرامی ما کمتر توجه به فعالیتها و جنبشهای علمی داشته بیشتر غرق در ظواهر شده اند، به پیشرفتهای شایان تقدیری نائل شده اند که محققاً در اثر برکات آستانه مقدسه مولی بوده است. علامه معظم ، که عمری را در میان بحر فیاض کتب و کتابخانه بسر برده هزاران کتاب نفیس و پر بها را از نظر دقیق و عمیق گذرانده مورد تتبع و تحقیق قرار داده اند و «الغدیر» نمونه و شاهد بزرگی بر این معنی است ، با توجه با اهمیت کتابخانه در بسط و ترویج علوم و معارف و لزوم وجود یک کتابخانه مجهز آبرومند در نجف از مدتی پیش در فکر تأسیس این مؤسسه ضروری در آن کانون علمی شیعه بودند تا اینکه بتوفیق ذات اقدس الهی و عنایات وجود مقدس علوی (ع) دو سال و اندی پیش موفق به تأسیس کتابخانه عمومی نجف بنام « مکتبه الامام أمير المؤمنين

(ع) العامه « شدند و خوشبختانه در همین مدت کوتاه به توفیقات شایان نائل گردیدند بطوریکه با اعلام تأسیس کتابخانه جمعی از محترمین و دانشمندان که خود هر یک عمری را با علاقمندی و عشق به کتاب، به گردآوری کتب مفید همت گماشته و کتابخانه ئی برای مطالعات و تحقیقات خود ترتیب داده بودند نتیجه یک عمر کتابداری خود را به پیشگاه حضرت مولی الموالی امیر المؤمنین علی (ع) تقدیم و کتب خویش را وقف کتابخانه آنحضرت نمودند که ما اینک بذکر اسامی شریفشان در اینجا می پردازیم تا مشوقی برای سایر علاقمندان باشد :

واعظ شهیر و خردمند پیر حضرت آقای حاج شیخ جواد عراقی، جناب آقای نواب احتشام رضوی - جناب آقای حاج سیدرضا

اخوی - تیمسار سرلشگر عزیز الله ضرغامی - جناب آقای ابوالقاسم فیوضات از رجال دانشمند و فرهنگیان برومند و صاحب تالیفات گرانها از جمله اسرار الصلوه و جناب آقای میرزا باقر حکمت از دانشمندان فرهنگ. جناب آقای حاج میرزا محمدحسین مجتهدی، مرحوم مهندس رفیعی - مرحوم مبشرالسلطنه تهرانی مرحوم حجه الاسلام آقای میرزا موسی راشد (رحمه الله علیهم).

همچنین دانشگاه تهران نیز یکصد و پنجاه جلد از نشریات خود را بکتابخانه تقدیم داشته است.

تا کنون بر اثر همت علاقمندان ۹ هزار جلد کتاب که غالباً کتب مفید و ضروری است در کتابخانه مقدسه گرد آوری شده و جمع این مقدار کتاب در این مدت کوتاه الحق در خور ستایش و تقدیر است و امید می رود که بزودی عالم تشیع واجد مجهز ترین و بزرگترین و شایسته ترین کتابخانه های اسلامی در نجف گردد و این نقیصه بزرگ مرتفع شده و البته در این مورد عموم شیعیان باید بذل مساعی و توجه نموده هر یک بسهم خویش در پیشرفت روز افزون این امر خیر و عظیم بکوشند.

برای کتابخانه ساختمان آبرومند و مجهزی در نظر گرفته شده

که پس از خریداری زمین بنای آن شروع گردیده و اکنون با همت و سعی تمام در دست ساختمان است و امید میرود که بزودی باتمام رسیده آماده برای استفاده دانشمندان و دانش آموزان حوزه علمیه نجف اشرف و همه شیعیان و زوار و علاقمندان گردد .

محل کتابخانه بین بازار قبله و خیابان جدید الاحداث مقابل در قبله صحن مطهر (کوچه چهارم) پشت مدرسه مرحوم آیه الله آقا سید کاظم یزدی (ره) واقع است که ۲۶۰ متر زیر بنا داشته و هزینه ساختمان آن ۱۰ هزار دینار برآورد شده است که البته با تمامی لوازم و مقدمات تا ۱۵ هزار دینار تخمین زده میشود . کتابخانه دارای دفاتر مرتب و منظم وقبوض رسمی بوده و در مقابل کتب ووجوه دریافتی قبض رسید رسمی صادر میشود و برای اداره آن تشکیلات اساسی و منظمی پیش بینی شده است که کمتر نظیر دارد . از این کتابخانه عمومی کلیه طبقات میتوانند استفاده نمایند و مخصوصاً مرکز برای آشنائی بین رجال علمی و دانشمندان و دانشجویان شیعه که از نقاط مختلفه و بلاد شیعی به آستانه مقدسه مولی (ع) مشرف میشوند بشمار میرود بدون شک وقتی با عظمت و ابهت خاص خود ، افتتاح شده و شروع بکار نماید ، قطعاً توجه عالم تسنن و حتی گروه خاور شناسان و محققین خارجی را نیز بخود جلب خواهد کرد و در حقیقت مرکز مناسبی برای تبلیغات و تحقیقات علمی آنان در اساس و مبانی مذهب حقه شیعه و معارف اسلامی خواهد شد و بیش از همه طلاب علوم دینی حوزه مقدسه علمیه نجف از چنین سازمان عام المنفعه و این گنجیه علوم و معارف دین بهره مند خواهند گردید امید است علاقمندان و موالیان حضرت امیر المومنین علی (ع) با توجه بمقام شامخ علم در اسلام و اینکه یکی از استاد گرانبهای حقانیت آنحضرت و مذهب تشیع و شیعیان آنسرور پرهیزکاران حدیث « انا مدینه العلم و علی بابها » میباشد و در نظر گرفتن این حقیقت که دین مقدس اسلام و مذهب حقه جعفری یعنی آئینه تمام نمای آن کاملاً بر پایه علم استوار

گردیده است ، نسبت باین مرکز مهم علمی شیعی بذل توجه نموده از هیچ گونه مساعدت و معاضدت مادی دریغ ننمایند که در درگاه پرودگار دانا و ذوات مقدسه الهیش انشاء الله مأجور خواهند بود وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و اسئله ان یصلی علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین و ان یجمعنی معهم و یرزقنی زیارتهم فی الدنیا و شفاعتہم فی الآخره.

پایان

ششم ربیع الثانی ۱۳۷۶

ص: ۶۷

اشعار و قصائد

در این سفر میمنت اثر اشعار و قصائدی از طرف گویندگان شیرین سخن اصفهانی بمناسبت این مسافرت تاریخی انشاد و ایراد شده بود که این برای تکمیل این گزارش (پس از شعر زیر) بذکر پاره ئی از آنها می پردازیم.

از جناب حجه الاسلام آقای شیخ محمد آقاپطهرانی

بسمه تعالی

(بمناسبت تأسیس کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین علی علیه السلام) (در نجف اشرف)

مکتبه الإمام أمير المؤمنين - العامه

دوش در آسمان علم ور شاد

من افتاده را گذر افتاد

محفلی دیدم از محافل وصل

چند جا می زدم که نوشم باد

قدسیان مستحق و غرق سرور

هوش از سر شده است و خویش از یاد

پای کوبان سرود میخوانند

زیرها بم شده است و بم فریاد

که بسوزند جمله خورد و کلان

عمد جهل و توده الحاد

گفته حق ، حق است که «من

یضلل الله فما له من هاد»

لکن آنجا که دل صفا دارد

هست قرآن « لکل قوم هاد»

من بیچاره مات از این شادی

وین غریو و خروش و جوش زیاد

لاجرم با هزار ترس زدم

دل بدریا که هر چه بادا باد

بیکی از بتان بگفتم کای

جان شیرین من ترا فرهاد

ص: ۶۸

چیست این های و هوی مستانه

وین نشاطی که کس ندارد یاد

لب چون غنچه راشکفت و بگفت

بشنو از رمز حادث نوزاد

باب علم نبی دری از نو

بگشود از کرم که بسته مباد

بهر تجهیز کاروان علوم

بنجف مکتبی بزرگ گشاد

قرنها سال و ماه و هفته و روز

آذر و تیر و بهمن و خرداد

بگذشت و نبود مکتبه ای

در خور شأن مرکز امجاد

حاصل عمر صد هزاران فحل

زین سبب غالباً برفت بیاد

شاهد زنده مکتبات فرنگ

داد از این غارت و دو صد بیداد

تا «امین» علی ولی الله

صاحب «الغدیر» امینی راد

پی تکمیل این نقصیه بجد

پای تدبیر و کار پیش نهاد

کمک از باطن علی طلید

همت از بازوان چون پولاد

از برای کتابخانه دوست

هر چه بودش در این جهاد نهاد

ریخت طرح بنای مکتبه را

کند بیخ حسود کثر بنیاد

کتب از هر کجا و از هر کس

از ری و از دمشق و از بغداد

گشته آماده و کنون هم نیز

میفرستند مردم آزاد

ناگه آمد صدای تهرانی

سال تأسیس را نمود انشاد

پس بگفتا: (بجان پاک علی

خانه علم و دین شده آباد)

۱۳۷۳

تهران - شب دوشنبه ۷ ج ۱ - ۱۳۷۶ - الاحقر محمد تهرانی (

ص: ۶۹

قصیده ئی که یکی از بزرگان شعراء معروف اصفهان بنظم در آورده و در پشت بلند گو در مسجد سید خوانده شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد حمد و ستایش یزدان

آفریننده بهر کون و مکان

صلوات و درود بیحد و مر

از خدا وز ملائک و انسان

بروان رسول و آل رسول

رهبران طریقه ایمان

خاصه بر صهر و بن عم احمد

زوج زهرا امام عالمیان

من چگویم بمدح آنکه بود

مادحش حق و مدح او قرآن

منتهی چون سرشته است مرا

دست قدرت بمهر او دل و جان

میکنم فاش طینت خود را

حب او چون توان کنم پنهان

مدح او روز و شب شعار من است

عشق آنشه مر است در دل و جان

اوست مقصود ز آیه تطهیر

مقصد او ز آفرینش دو جهان

اوست شاهنشاه «سلونی» گو

اوست عالم بعلم سرو عیان

شاه او رنگ انما ست علی

هم علی هل اتی علی الانسان

شب معراج بد جلیس رسول

برتر از عرش قادر سبحان

عین حق دست حق خلیفه حق

مظهر حق بحق قوی برهان

لافتی جز وجود آنسرور

کیست هموزن او در این میدان

شأن او در حدیث منزله هست

قصه طیر مشویش بر خوان

مصطفی شهر علم لم یزلی است

بآب آن شهر علی شه مردان

گفته هفتاد باروبل افزون

آن به دین رهن و کم از شیطان

گر نبند بوالحسن عمر میمرد

میشد از جهل خودسوی نیران

یادم آمد که عالمی سنی

سخنی گفته از ره و جد آن

ص: ۷۰

که چه گویم بمدح آنشاهی

کش فضایل نهفته اند خسان

کرده مخفی فضایلش بی حد

دوست از خوف و دشمن از عدوان

معدالک سراسر گیتی

پر دراز مدح او شده است چو کسان

الغرض در مدایح آنشاه

کرده سنی بسی حدیث بیان

این جواهر بسی به خاکستر

در قرون گذشته بد پنهان

بود در دست عامی عمیا

همچو خاتم بدست اهر منان

همچو گنجی نهفته اندر خاک

همچو خورشید پشت ابر نهران

تا خدا بر گزید از تبریز

راد مردی یگانه دوران

رهبر شیعه حجه الاسلام

نا خدا بهر کشتی ایمان

آن امانت نگاهدار رسول

و آنکه مأمّن وراست مهدامان

آن که از همت بلند نمود

کاخ سنی گری همه ویران

گر چه در روزگار قبل از ما

شد در این فن کتابها عنوان

میر حامد حسین پاک سر شست

رهبر دین که داشت هند مکان

عبقاتش بیادگار گذارد

گوی سبقت ربود از نیکان

فهو بالسبق حائزا لتفضیل

نشود قطع ذکر پیشروان

لیکن ای رهبر یگانه ما

ای امین اما نت یزدان

تو بثقلین حافظی الحق

انت فوقت ذالك التبیان

کس از این پیش چون تو نآوردست

(الغدیر) تو گشته مالا مال

از ره خصم بهر او برهان

هفت اقلیم عشق را گشتی

از می عشق خسروخو بان

آب کوثر بود ره آوردت

ارمغان شماست از رضوان

تو بهای دل و بیمن بنان

تو چراغی که ایزدت افروخت

هر که پف کردسوزدش تن و جان

سینه توست بحر گوهرزا

دست تو مظهر از پدرحمان

کلک پاکت بسطح دفتر دل

ریزد از دم ستاره بی پایان

هم تو غواص بحر معرفتی

هم تو دریای بی کنار و کران

سخت چون سحاب رحمت حق

صدف آن قلوب پا کدلان

در تمام ممالک اسلام

یمن و نجد و مصر و پاکستان

ص: ۷۱

تا با قصای روم و کابل و هند
در عراقین رفعت و جاهت
واجب و لازم آمده به یقین
که زاخلاص و صدق بردارند
بهر این را دمر در بانی
درد و گیتی خداش بستاید
اوست یار علی یارش
یارحق است و همچو خورشید است
بارالها بحق هشت و چهار
دوستانش بعشق و مهر علی
هم ببخشای پا و رانش را
دشمنش تیره رو بهرد و سرای
کرده ای حجت خدای عیان
بی شما راست نزد با خردان
بتمامی شیعیان جهان
بدعا دست از صمیم روان
طلبند از خدای عزت و شأن
بولای علی شه مردان
حق بدارد سعادتش ارز آن
که شده بهر شیعیان تا بان

بردهش عزو جاه بی پایان

خوش و خرم زینددر دو جهان

جای ده در نعیم جاویدان

خاک ذلت بفرق او ریزان

از آقای تائب اصفهانی

شاعر شهیر اصفهان در باره کتاب

الغدیر

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب شیخ امینی ، ز لطف حی قدیر

نوشته اید کتابی که هست آن اکسیر

بنام هست کتاب تو الغدیر و شد.

به نزد عالی و دانی بروزگار شهیر

تمام هست ز گفتار پیروان عمر

بنام حیدر صفدر علی خیبر گیر

خوشا بحال تو ای شیخ کا این کتاب شما .

به هیچ وجه ندارد در این زمانه نظیر

ص: ۷۲

بدان که قدرت حق است گفته های شما
بگوش جان به پذیرند هر که هست بصیر
شده بشخص تو انجام از خدای جهان
کز این کتاب بگردند کل خلق خبیر
همین بس است امینی برای گفتارت
که گشته شهرت این گفته تو عالمگیر
گذشته است از این عالم و رسیده بعرش
زده باهل سماوات جبرئیل صفیر
تو حاج شیخ امینی و صاحب فتوی
بدان بامر خدا گشته ای تو شیخ کبیر
بلندی کلمات رسیده بر کیوان
به پیش گفته تو گفته ها شده است قصیر
تمام اهل جهان را از این کتاب متین
و خراب کاری آنها شده چه خوش تعمیر
توئی که آیت ذات خدای یکتائی
توئی که گشته کتابت بروزگار دلیر
توئی که هادی دین پیمبری بجهان
توئی که منجی شرعی بهر کبیر و صغیر
تو را خدا بر دشمن نگاه داری کرد
و چو دشمنان تو کردند هر قدر تدبیر

تمام اهل خرد شکر حق کنند از آنک

شدی تو عاقبت اللامر بهر خلق بشیر

تائب «است خواهد عذر

جناب شیخ شما عذیر را از او بپذیر

رسول حق چون بخم غدیر بار گشود

رسید پیک خدا نزد احمد محمود

گشود بال چو جبرئیل نزد پیغمبر

نمود عرض که ای خلق راز حق رهبر

ص: ۷۳

نمود امر خداوند کاند راین صحرا

کنی تو سر نهران را با منت افشا

بکن هدایتشان اولاً ز روی صفا

و سپس نمای بر آن قوم امر ما اجرا

بگو بامت خود جانشین من علی است

خلیفه بر همه و جاگزین من علی است

با مر خالق اکبر محمد (ص) مرسل

نمود مشکل بسیار مشکلی را حل

شد از جهاز شترها چو منبری بر پا

نهاد پای به منبر شهنشه بطحا

محمد (ص) آنکه بخلق جهان بود سرور

محمد (ص) آنکه شفیع است در صف محشر

گرفت دست علی را محمد (ص) محمود

بگفت امر شده از خدای حی و دود

بخاص و عام بگویم چنین بصوت بلند

هر آنکه بوده و باشد به این حق پا بند

بامر قادر یکتا خدای عالمیان

علی خلیفه من هست و جانشین بجهان

هر آنکه را که بعالم بر او منم مولا

علی است رهبر و مولای او بامر خدا

تمام عالی و دانی ز پیر تا برنا
به بیعتش همه کردند صادقانه وفا
از شوق دست بداد نه بر علی و علی
و علی و ای خداوندگار لم یزلی
هر آنکه بود بخم غدیر پیر و جوان
شاد باش صداها بلند گشت و عیان
عجب مدار را در که بعد فوت رسول
عمر مخالف مولا شد و نکرد قبول
قضا و تش همه باشد بدست اهل خرد
عمر بروز قیامت ز کرده اش چه برد

ص: ۷۴

ندانم آنکه چه گویم که گفته اند. از پیش

ز روزگار بد و مردمان بد اندیش

از شوق و ذوق بگو تا بجا بصوت جلی .

ز نید کف بکف امشب در این مکان شریف

که هست شادی مولا و بی دلی حریف

آیت اللهی که باشد الغدیرش معجزه

در بر دانشوران نی نزد هر فرد بزه

هر بزه کاری زند بر قلب اهل علم نیش

میزند هر لحظه نیش اما شود آخر پریش

لیک اهل علم و دانش در زمانه فی المثل

مشکل بسیار مشکل را نماید خوب حال

جان من با دایه فدایت ای امینی در جهان

چون تو کردی مشکلی را حل بر آزادگان

از کلام و گفته های اهل سنت را ستی

با متانت گفته ها شأن را بخوبی کاستی

بس دلیل آوردی از گفتارشان در این کتاب

جمله را کردی خجل بنیادشان کردی خراب

کردی از گفتار خودشان اهل دلشان را خجل

کردی آنها را به پیش اهل عالم منفعل

رو نقی دادی با حکام و اصول شیعیان

جان بقربانت که هستی در جهان جان جهان

آفتاب عالم آر آئی تو بر اهل کمال

پاک بنیانی به پیش ذات حق جل جلال

مخزن علم رسول الله ای مرد شریف

چون نمودی اهل سنت را در این دوره ضعیف

هادی دین مبینی در جهان از لطف حق

ثانی علامه دهری که آنهم در سبق

در بر شاه خدا بنده هم از گفتارشان

اهل سنت را بخوبی کرد خوار و زار شان

ص: ۷۵

منکر حیدر هر آنکس هست در روی زمین
منکر حق است و باشد ملحد و پسمت و لعین
ای امینی ای که هستی در جهان شیخ کبیر
و هم کبیری هم بصیری هم که هستی بی نظیر
تائب از جان مدح تو گوید در این دیر خراب
چونکه داند هست از امر خدا وند این کتاب

آقایان محترمی که در اصفهان کتاب به کتابخانه تقدیم کرده اند

ثقه الاسلام آقای حاج آقا کمال الدین صدری قزوینی

دانشمند و واعظ شهیر آقای حاج سید جمال الدین

حجه الاسلام آقای حاج سید عبدالحسن طیب

« آقای شیخ مرتضی اردکانی

دانشمند شریف آقا میر سید علی خادمی

ثقه الاسلام آقا شیخ فضل اله ذو علم

« حاج سید محمد باقر پاقلعه

« « سید محسن صادقی

« « شیخ مهدی فقیه ایمانی

« « سید محمد حسین زواره

« آقای میر محمد هاشم غروی

« « حاج سید محمد حسین ملاذروضاتی

حجه الاسلام آقاي سيد حبيب الله روضاتي

ثقه الاسلام آقاي حاج سيد محمد آل رسول

حجه الاسلام شيخ محمد تقى نجفى

« آقاي حاج آقا حسين خادمى

« « شيخ عباسعلى اديب

ثقه الاسلام آقاي حاج سيد شمس الدين خادمى

دانشمندو واعظ معروف آقاي حاج سيد محمد رضا حسام الواعظين حجه الاسلام آقاي حاج مير سيد على ابطحي

ص: ٧٦

فاضل شریف آقا سید ہاشم ملاذ الاسلام

آقای شیخ محمد حسین مهاجر

ثقه الاسلام آقای حاج شیخ محمود ریزی

« « « شیخ عباس مصباح

حجه الاسلام آقای مجدالعلما نجفی

« « « میر سید محمد مقدس

ثقه الاسلام آقای حاج میر سید حسن خادمی

« « « شیخ محمد حسن نجفی

حجه الاسلام آقای سید مرتضی دہکردی

ثقه الاسلام آقای حاج سید علی صادقی

« « « سید محمد علی فنائی

« « « حاج سید مرتضی مستجابی

حجه الاسلام آقای حاج سید محمد رضا شفتی

« « « آقا رحیم ارباب

آقای میرزا رضا خان فلسفی

« حاج میرزا علی اکبر گازرانی

« صفیر اصفہانی شاعر معروف

« مشہدی مرتضی و ہاب زادہ

« حاج آقا حسین داد خواہ

« حاج اسدالہ ریختہ گران

« حاج آقا مهدی لسانی

« عبدالحسن خوانی

« حاج عبدالحسین ظهور

« میرزا حسین صدوقی

« حسین شفیعی

« سید مرتضی مدنی اصفهانی

« سید عبدالحمید مولوی ماکوئی

« میر سید علی صائب

« آقا سید جلال امامی

« حاج سید مصطفی صائب

ص: ۷۷

آقای حاج میرزا ابوالقاسم کوهپایه ئی

« دکتر سید احمد ابطحی

« حاج شیخ بهاء الدین شیخ زاده ریزی

« مهندس سید حسین دولت آبادی

« حسن شبان

« شیخ یوسف نجفی

« محمد بحرینیان

« میرزا علی تابش

« میر میرزا علی فانی

« محمد حسن محمدی

ورثه آقای میرزا عبدالحسین خوشنویس

آقای ملاذ (کتب مرحوم حاج آقا فاضل و مرحوم حاج میرزا حسین ملاذ)

آقای حاج براتعلی

« حسین عینی

« عارفچه شاعر شهیر

« سید حسن خاتون آبادی

« حاج سید مصطفی صمصامی

« آقای حاج میرزا حسن خان جابری

« شیخ عبدالرزاق کتابچی

« محمد علی بابا صفری

« میر سید محمد ہاشم غروی

« محمد حسین محمدی

« حاج میرزا ابوالقاسم شفیعی

بانو علویہ ہاشمیہ فخر علویات فاضلہ

بانو سلطان بگم خانم مرحوم زنجانی

ص: ۷۸

اشخاصی که در اصفهان پول برای ساختمان کتابخانه تقدیم کرده اند.

حجه الاسلام آقای حاج شیخ مهدی مسجد شاهی

آقای حاج میرزا عبدالجواد میر محمد صادقی

« « سید محمد افضل

« « میرزا ابوالقاسم کو پائی

« « محمد علی یزدی

« « محمد حسین یزدی

« « میرزا علی اکبر گازرانی

« « محمود قرشی

« « حاج احمد کلاهدوز

« « حسن کلباسی

« « محمد مشایخی

« « حاج آقای محمود بصیری

« « حاج آقا حسن ملا باشی

« « محمود ضیاء نکوئی

« « رضا صیرفی

« « عبدالحسین ظهور

« « میرزا حسن دردشتی

« « عبدالوهاب زواری

« « حسین عینی

« حاج آقا مقدس مهدی شکرانی

« میرزا هدایت الله تابش

« میرزا باقر لقمانی

« میرزا عباسعلی نیلفروش

« محمد یزدی

« غفار نصیری

از ترکه مرحوم رحمه الله اصفهانی

آقای حاج غلامرضا زر افشانی

« حسین صیرفی

ص: ۷۹

آقای سید محمدعلی فانی زواره

« احمد سمسار

« میر سید محمد بنکدار

« علی بنکدار

« عبدالحسین گلستانه

« عبدالکریم نادریان

« حاج آقا جواد روغنی

« احمد ساکنی

« و عبدالغفور هوده

« علی خو نساری

« حاج حسن خرازی

« حسن اولیاء

« حاج میرزا عبدالحسین منعمیان

« کریم صفا کار

« محمد لواف

« حاج میرزا عبدالحسین لشگری .

« سید محمود مهاجر حسینی

« یوسفعلی کیوانداریان

« حاج آقامحمد نمازی

« محمد حسن شمالی زاده

« سید مصطفی صمصامی

« حسن تمیزی

« محمد حسن مقدادی

« حاج احمد بلور فروش

« آقا کریم خراسانی زاده

« رحیم خراسانی زاده

« میرزاعلی محمد ریسمانیان

« شیخ علی جوانمردی

« محمود آبادی

ص: ۸۰

آقای سید احمد سعیدی از مرحوم آقا جلال الدین

« « باقر نیلفروشان

« « حسین علی نیلفروشان

« « حسین گیلانی

« « میرزا علی محمد کرمانشاهی

« « عبدالرحیم عبودیان

« « عاج عباسعلی اصفهانی

صاحب نامه بی امضاء در بازار اشرف

یکی از سادات محصلین دینی

بانو هاشمیه فاضله جلیله

« « مرضیه

« « بی بی آغا صبیبه مرحوم حاج میرزا حسن

« « کلباسی

« « زینب او دو بانوی دیگر

مجموع وجوهی که از اصفهان برای کتابخانه وصول گردیده

است ۳۳۶۲۲۲ ریال میباشد.

ص: ۸۱

که در خدمت بدین مبین نوشته شده است

آنچه که بچاپ رسیده است؟

۱- در آغوش مرک

۲- کریس یا میلاد مسیح در ۲۴ صفحه

۳- ۲۷ رجب

۴- آخوند ها

۵- دروس دینی (جزوه نخست) که متأسفانه ادامه نیافت

آنچه که برای چاپ آماده است :

۱- اسلام از نظر تورات وانجیل

۲- الاباطیل یا تعالیم دوازده گانه بهائیت که قسمتی از آن در روز نامه ندای حق درج شده است.

۳- اسلام و بهائیت □ پاسخ نامه یک مبلغ بهائی

۴- گفتگو در محافل بهائیتی □ متن مناظره با یکی از بزرگترین مبلغین بهائی در تهران

۵- امام زمان (۴) متن مناظره با یکی از مبلغین جوان و برجسته بهائی در پیرامون میلاد و غیبت و ظهور حضرت

۶- آخوند ها - (درسه جلد) که جلد اول با بسط مندرجات جزوه منتشره قبلی بصورت کتاب مفصلی نوشته شده است.

۷. من بخدا پناه بردم - (در ۳جلد) جلد اول و قسمتی از جلد دوم در مجله آئین اسلام درج گردیده است.

۸- اسلام یعنی شیعه - که قسمتی از آن در روز نامه ندای حق درج شده است .

۹- کج رویهای کسر وی فعلاً در روزنامه ندای حق درج میشود.

۱۰- در تکاپوی حق (تمام مصور)

این کتاب با گردآوری تصاویر مناسب و ابتکار مخصوص در اثبات صانع تنظیم و تألیف گردیده و جلد دوم آن بنام «خدا در آزمایشگاه» در رد مدعای ما دیون که خدا را در آزمایشگاههای علمی نیافته اند (: در دست تهیه است .

۱۱ □ دین پاک: در بیان اصول عقاید مذهب حقه جعفری به زبان ساده و روان برای عموم

۱۲ - تعلیمات دینی: برای سالهای دوم تا ششم دبستانها

۱۳ - اسلام و تساوی حقوق زن و مرد.

۱۴ - ارمغانهای تمدن خلاصه آن تحت عنوان: «در حاشیه تمدن» در روزنامه ندای حق درج گردیده است .

۱۵ - قانون الهی یا بشری ؟ - در روزنامه ندای حق درج گردیده .

۱۶ - شق القمر: در اثبات معجزات انبیاء

۱۷ - دین و آئین زندگی - مجموعه سخنرانیهای ایراد شده در رادیو تهران

برای انتشار ردیف ۲ و ۹ دو نفر خیر خواه علاقمند به ترویج دین مبین بانی شده اند علاقمندانی که مایل بگومک به نشر آثار خامه این نا چیز باشند میتوانند بنشانی : مشهد - بوسیله روزنامه خراسان مراجعه و مکاتبه فرمایند.

ص: ۸۳

اینک که این کتاب را به پایان رساندید یکبار دیگر مقدمه آنرا دوباره با دقت بخوانید و با توجه به حقانیت مذهب رستگاری بخش و بر حق خویش، با خود بیندیشید که برای تبلیغ و ترویج و نشر و بسط آن چه قدمی برداشته، چه اقدامی نموده چه مجاهدتی بکار برده و چه کوششی ابراز داشته اید؟ و با خود فکر کنید که آیا از تشیع، جز توسل بذوات مقدسه الهی و پیشوایان ارجمند دین خود آنهم برای قضاء حاجات و دنیوی و انتظار شفاعت برای آمرزش گناهانی که به همین امید گستاخانه و بی پروا مرتکب میشویم، اثر و نشانه ای داریم؟! من چه گویم که با وجودی که ایران مهد و کانون تشیع است وزعمای کنونی شیعه همه ایرانیند معهذا جشن چهاردهمین قرن میلاد پیشوای مقدس ما باید بهمت برادران شیعه پاکستانی و ما بر پا شود.

زهی تأسف بر این بیحالی و غرور ما!

چه نیکوست که دست از این رو به نا پسند برداریم و با و کوشش و مجاهده و تبلیغ در احیاء و اعتلاء روز افزون شیعه بکوشیم.

و اینست انتظار امامان بر حق و پیشوایان مذهب حقه ما؟

فرهنگ نخعی

ص: ۸۴

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

